

# واکاوی کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز (۳): بایسته‌ها و الزامات سیاست‌گذاری حوزه دین در جمهوری اسلامی ایران





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۳/۴/۲۷



شماره مسلسل: ۱۹۹۰۸  
کد موضوعی: ۲۷۰

مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

واکاوی کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز (۳):  
بایسته‌ها و الزامات سیاستگذاری حوزه دین در جمهوری اسلامی ایران

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف)

تهیه و تدوین کنندگان:

سیدحسنعلی سیاحی زاده فرد، سینا عصاره نژاد دزفولی

مدیر مطالعه:

سینا عصاره نژاد دزفولی

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز:

سیدمجید امامی (دانشیار گروه فرهنگ و دولت دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع))  
و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، حبیب‌الله رحیم‌پور ازغدی (پژوهشگر حوزه فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی)،  
محمد کاظمی قهفرخی (استادیار گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)، احمدعلی  
قانع (دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع)) و امام جمعه بخش کن شهر تهران، محمدپور کیانی  
(پژوهشگر حوزه فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی)، محمدرضا روحانی (دانشیار گروه دانش اجتماعی مسلمین  
دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع))، محمدعلی امینی (پژوهشگر ارشد اندیشکده  
صنعت و توسعه پایدار اندیشکده حکمروایی فرهنگ و صنایع خلاق)

ناظران علمی:

موسی بیات، محمدسعید مهدوی کنی (استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام  
صادق (ع))، عبدالکریم بهجت‌پور (دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشکده حکمت و دین پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و  
اندیشه اسلامی و معاون آموزشی پیشین حوزه علمیه قم)

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۸/۰۱

واژه‌های کلیدی:

۱. دین
۲. تبلیغ
۳. سیاستگذاری
۴. سیاستگذاری دین
۵. سیاستگذاری فرهنگی
۶. سازمان‌های فرهنگی



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. بررسی وضع موجود.....	۱۰
۲-۱. وضعیت دین‌داری در ایران.....	۱۰
۲-۲. آسیب‌شناسی حکمرانی عرصه دین در کشور.....	۱۲
۲-۳. چالش‌های سیاستی خاص هر کدام از سازمان‌های حوزه دین.....	۱۷
۳. ترسیم وضع مطلوب براساس اسناد بالادستی.....	۲۰
۳-۱. محوریت دین در تمامی مراحل سیاستگذاری.....	۲۰
۳-۲. نقش بنیادین مردم در امور فرهنگی و دینی.....	۲۱
۳-۳. به‌رسمیت شناختن تفاوت‌ها و لزوم برخورداری از سعه‌صدر در برابر اشتباهات.....	۲۱
۳-۴. در نظر گرفتن اولویت‌های فرهنگی متناسب با شرایط جامعه.....	۲۱
۳-۵. اهمیت دادن به خلاقیت‌های فرهنگی.....	۲۲
۳-۶. ضرورت سالم‌سازی محیط.....	۲۲
۳-۷. اصالت ارزش‌ها و نه شخصیت‌ها/ پرهیز از تفسیر به رأی.....	۲۲
۳-۸. پیروی نهادهای ذی‌ربط و مسئول از خط‌مشی‌ها و اصول واحد در کشور.....	۲۳
۳-۹. توجه ویژه به آموزش و فراهم ساختن دسترسی آسان به محتوای فرهنگی - هنری.....	۲۳
۳-۱۰. لزوم توجه به اقتصاد فرهنگ.....	۲۳
۴. الگوهای حکمرانی حوزه فرهنگ.....	۲۴
۴-۱. الگوواره‌های نظری برنامه‌ریزی.....	۲۴
۴-۲. راهی به سوی الگوی چهارم؛ هدایت‌گری فرهنگی (الگوی انتخابی).....	۲۴
۵. بحث و نتیجه‌گیری.....	۲۶
۶. الزامات سیاستی - تقنینی سیاستگذاری حوزه دین.....	۲۷
۶-۱. بازطراحی هندسه دستگاه‌های دینی مبتنی بر اصول سیاست فرهنگی کشور در جهت احیای کارکرد اجتماعی نهاد دین.....	۲۷
۶-۲. تمرکز شورای عالی انقلاب فرهنگی بر نقش سیاستگذاری کلان در حوزه دین.....	۲۷
۶-۳. رفع ابهام ماهیت حقوقی سازمان‌های دینی یا وابستگی چندگانه ساختاری آنها با تبدیل به سازمان‌های غیرانتفاعی یا مؤسسات عمومی غیردولتی.....	۲۸
۶-۴. تعیین شاخص‌های دقیق ارزیابی متناسب با رویکرد هدایت‌گری فرهنگی و نظارت مؤثر و کارآمد بر سازمان‌های ذی‌ربط.....	۲۸
۶-۵. ضرورت تهیه «اطلس دین‌داری» ایرانیان.....	۲۹
منابع و مأخذ.....	۲۹

## فهرست جدول

جدول ۱. آمار مرتبط با میزان دین‌داری ایرانیان طی دو دهه اخیر.....	۱۱
جدول ۲. درصد ساختارهای فرهنگی مرتبط با عرصه تبلیغ براساس زمینه فعالیت آنها به نسبت کل سازمان‌های فرهنگی.....	۱۵
جدول ۳. تعداد ساختارهای فعال تبلیغی در کشور به‌همراه نقش و زمینه فعالیت آنها.....	۱۵
جدول ۴. جدول آسیب‌ها و چالش‌های سازمان‌های عرصه دین و تبلیغ.....	۱۸
جدول ۵. مقایسه الگوواره‌های نظری مختلف برنامه‌ریزی فرهنگی.....	۲۵



## واکاوی کارکرد اجتماعی نهاد دین در ایران امروز (۳): بایسته‌ها و الزامات سیاستگذاری حوزه دین در جمهوری اسلامی ایران

چکیده



بازگرداندن اسلام به عرصه اجتماع و محور قرار دادن آن برای نظام‌های اجتماعی، یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران بود که با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، مجاری ویژه‌ای برای رسیدن به این هدف پیش‌بینی گردید و سیاست‌های مختلفی تدوین و سازمان‌های متعددی تأسیس شد. اما واضح است که سیاستگذاری حوزه دین و تبلیغ مانند هر حوزه دیگری نیازمند ارزیابی مداوم وضع موجود، مرور آسیب‌شناسانه سیاستگذاری آن و همچنین به‌تصویر کشیدن وضع مطلوب بر پایه اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور است. در این راستا، گزارش حاضر به ارزیابی عملکرد کلان سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین، در دو سطح «دین‌داری عمومی» و «ارزیابی عملکرد دستگاه‌های دینی» پرداخت و تغییر الگوهای دین‌داری، گسترش خرده‌فرهنگ‌های دینی، فاصله میان عملکرد برخی از سیاستگذاران با شعارهای انقلاب اسلامی، انباشت نهادی در عرصه دین، ضعف قرارگاه مرکزی سیاستگذاری در حوزه دین، ضعف نظارت بر سازمان‌های فعال در این حوزه و ابهام در ماهیت حقوقی نهاد‌های دینی را از مهم‌ترین آسیب‌های سیاستگذاری حوزه دین برشمرد. در نهایت، می‌توان خلأ رویکردی نظری در سیاستگذاری عرصه دین در کشور برای نیل به وضع مطلوب را به‌عنوان علت‌العلل سیاستگذاری عرصه دین در کشور دانست. بنابراین با برشمردن کلان‌الگوهای جهانی سیاستگذاری فرهنگی و همچنین الگوهای بومی ارائه شده، به انتخاب الگوی «هدایت‌گری فرهنگی» از میان مجموع الگوهای موجود پرداخت و بر این اساس پیشنهادهایی را برای بهبود عملکرد ارائه کرد که عبارتند از: بازطراحی هندسه دستگاه‌های دینی مبتنی بر اصول سیاست فرهنگی کشور، تمرکز شورای عالی انقلاب فرهنگی بر نقش سیاستگذاری کلان در حوزه دین، رفع ابهام ماهیت حقوقی سازمان‌های دینی، تدوین اطلس دین‌داری ایرانیان، تعیین شاخص‌های دقیق ارزیابی متناسب با رویکرد هدایت‌گری فرهنگی و نظارت مؤثر و کارآمد بر سازمان‌های ذی‌ربط.

## بیان / شرح مسئله

همواره ایرانیان در طول تاریخ مردمانی دین‌دار شناخته می‌شدند و بعد از ورود اسلام به این سرزمین، این دین جزء ارکان هویتی آنان قرار گرفت که از مهم‌ترین اهداف اسلام گسترش دین‌داری و معنویت بوده است. پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مردم ایران خواستار بازگشت معنویت به عرصه جامعه شدند و در این راستا به حمایت از شکل‌گیری حکومتی دینی به رهبری امام خمینی (ره) برآمدند. از آنجا که بنابر نظر امامین انقلاب، حکومت الهی باید عبودیت خداوند متعال و معنویت را گسترش بدهد، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در این راستا صورت پذیرفت و سیاست‌های مختلفی تدوین و سازمان‌های متعددی تأسیس شد. اما واضح است که سیاستگذاری حوزه دین نیز مانند هر حوزه دیگری نیازمند ارزیابی مداوم وضع موجود، مرور آسیب‌شناسانه سیاستگذاری آن و همچنین به‌تصویر کشیدن وضع مطلوب بر پایه اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور است. در این راستا، گزارش حاضر به ارزیابی عملکرد کلان سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین، در دو سطح «دین‌داری عمومی» و «ارزیابی عملکرد دستگاه‌های دینی» پرداخت.

## نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

بر اساس گزارش‌های آماری دو دهه اخیر، وضعیت دین‌داری ایرانیان نسبتاً پایدار بوده و در برخی از موارد کاهشی اندک داشته است. اگر دین‌داری در پنج بُعد در نظر گرفته شود (اعتقادات، امور ایمانی/عاطفی، امور عبادی/مناسک، اخلاقیات و شریعت)، در بیست سال گذشته بُعد اعتقادات قوی‌ترین بخش دین‌داری ایرانیان بوده است. بر این اساس بیش از ۹۴ درصد مردم به خدا و اصول دین معتقدند. همچنین مناسک جمعی ثانویه (روضه، زیارت و امثال آن) با رشدی قابل توجه همراه بوده است. در دیگر ساحات، تغییرات آماری چشمگیری مشاهده نشده است، اما تحلیل‌های جامعه‌شناختی حکایت از تغییر الگوهای دین‌داری دارد. رشد مناسک جمعی ثانویه در کنار افت پایبندی به مناسک اولیه مانند نماز جماعت و جمعه و همچنین پررنگ‌تر شدن ابعاد عاطفی، بیشتر صاحب‌نظران را قانع کرده است تا بر پایه مؤیدات آماری گسترده، بر تغییرات صحه گذاشته و این تحولات را به معنای فراروی (و نه گذار) از الگوی فقهی و کلامی/شریعت‌مدارانه به الگوهای عرفانی و اخلاقی/هیجانی بدانند.

در سال‌های پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، شماری از نهادها و سازمان‌ها در راستای گسترش معنویت و دین‌داری شکل گرفتند و هر کدام دست به اقدامات متعددی و با رویکردهای سیاستی مختلفی زدند که به‌طور قطع در وضعیت فعلی دین‌داری ایرانیان مؤثر بوده و ارزیابی فعالیت‌ها و سیاست‌های این نهادها، یکی دیگر از ضروریات ارزیابی وضعیت دین‌داری در ایران امروز است. بر این اساس، پژوهش حاضر به ارزیابی عملکرد کلان دستگاه‌های حوزه دین در کشور پرداخت و آسیب‌هایی کلی از نحوه سیاستگذاری عرصه دین در این مجموعه دستگاهی را شناسایی کرد که عبارتند از: فاصله میان وضعیت موجود با برخی شعارهای انقلاب و محقق نشدن کامل آنها در میدان عمل، شکل نگرش قرارگاه مرکزی سیاستگذاری در حوزه دین و تبلیغ، فقدان ضمانت اجرایی برای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و ابهام/تفسیر‌پذیری سیاست‌های مصوب یا در نظر نگرفتن آنها در برنامه‌های عملیاتی سازمان‌های ذی‌ربط، ضعف نظارت، دولتی شدن برخی سازمان‌ها و نهادهای دینی و تبلیغی، تقسیم وظایف ناکارآمد، ابهام در ماهیت حقوقی سازمان‌ها، ورود غیر ضروری سازمان‌های ذی‌ربط به ساحت اجرا (و نه تنظیم‌گر) و کمبود نیروی انسانی متخصص و خلاق.

در نهایت گزارش حاضر، فقدان رویکردی نظری و برآمده از اصول اساسی سیاستگذاری فرهنگی کشور در سیاستگذاری عرصه دین در ایران، برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را به‌عنوان علت‌العلل سیاستگذاری عرصه دین شناسایی کرد و در همین راستا و برای اتخاذ رویکردی نظری، به بررسی الگوهای کلان و جهانی سیاستگذاری فرهنگی و همچنین الگوهای بومی ارائه شده پرداخت. به‌طور کلی، سه الگوی کلان برای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در حوزه دین می‌توان برشمرد. در الگوی اول، سیاستگذار به‌مثابه قیم مردم و از بالا به پایین عمل می‌کند. در این الگو ابزار اصلی اجرای سیاست‌ها، دیوان‌سالاری<sup>۱</sup> و نهادسازی بوده و هدف از سیاستگذاری، شکل دادن «دولت-ملت» با دال محوری «ملی‌گرایی»<sup>۲</sup> است و دین را به‌مثابه ایدئولوژی، جهت تقویت این مفهوم به کار می‌گیرد. در الگوی دوم، مردم به‌مثابه مشارکت‌کننده در سیاستگذاری و مضاف بر نهادها و دیوان‌سالاری‌ها دانسته و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به‌عنوان ابزار اجرای سیاست

۱. بروکراسی.  
۲. ناسیونالیسم.



شناخته می‌شوند. هدف از این الگو، «توسعه اقتصادی» بوده و تدبیر مطلوب در این الگو، جدایی «دین از سیاست»<sup>۱</sup> است. در الگوی سوم که هدف آن شکل‌گیری «دمکراسی» (مردم‌سالاری) است، مردم تعیین‌کننده/جهت‌دهنده سیاست‌ها شناخته می‌شوند. اگرچه در این الگو برخلاف دیگر الگوها، دین بخشی از زندگی روزمره به حساب می‌آید، اما این نظام از «تکثرگرایی دینی»<sup>۲</sup> حمایت می‌کند. در نهایت، با توجه به ویژگی‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و مبتنی بر اصول اساسی بازتاب شده در اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور، هیچ‌کدام از الگوهای موجود جهانی نمی‌توانند آرمان‌های آن را تحقق بخشند. در نتیجه در گزارش حاضر، الگوی چهارمی با عنوان «هدایت‌گری فرهنگی» که خوانشی سیاستگذارانه از اصول بنیادین سیاست فرهنگی کشور است، شناسایی شد که سیاستگذاران را موظف به بسترسازی برای رشد استعدادها و مردم‌داری می‌داند، چراکه هدف سیاستگذاری را رشد «فرایندی» افراد در نظر گرفته و وظیفه سیاستگذاران را صرفاً بسترسازی برای این امر می‌بیند. دین اسلام در این الگو به مثابه محور سیاستگذاری است و بر سطوح مختلف دین‌داری و استعدادها تأکید می‌شود تا سیاست‌ها مبتنی بر شرایط خرده‌فرهنگ‌های دین‌داری تنظیم و پیاده شوند.

### پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در نهایت با توجه به آسیب‌های وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب مبتنی بر اسناد بالادستی، توصیه‌های سیاستی ذیل، ارائه می‌شود:

۱. هندسه دستگاه‌های دینی - تبلیغی در راستای احیای کارکرد اجتماعی نهاد دین بازطراحی شود،
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی بر نقش سیاست‌گذاری کلان در حوزه دین متمرکز شود،
۳. ماهیت حقوقی سازمان‌های این عرصه و شلختگی ساختاری آنها با تبدیل آنها به سازمان‌های غیرانتفاعی یا مؤسسات عمومی غیردولتی برطرف شود،
۴. متناسب با اقتضائات امور دینی، شاخص‌های معینی جهت ارزیابی سازمان‌های این حوزه از سوی سازمان‌های ناظر تعیین شود،
۵. با وجود تغییرات الگوهای دین‌داری و تفاوت‌های فرهنگی و سطوح مختلف زیست دینی، تهیه «اطلس دین‌داری ایرانیان» به عنوان مرجع آمارهای به‌روز حوزه دین‌داری مبتنی بر اقلیم‌های فرهنگی و جغرافیایی ایران ثمربخش خواهد بود.

۱. سکولاریسم.  
۲. پلورالیسم دینی.



## ۱. مقدمه

دین از اصلی‌ترین ارکان هویتی ایرانیان به‌شمار می‌رود [۱] و شاید بتوان دین و احیای آن در دنیای مدرن را به‌عنوان بنیادین‌ترین هدف انقلاب اسلامی و پیرو آن، مهم‌ترین مسئله هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت، به‌نحوی که مطابق با اسناد بالادستی کشور، انقلاب اسلامی را باید ماهیتاً انقلابی فرهنگی دانست که هدف از آن، گسترش معنویت و دین‌داری نه‌تنها در ایران، بلکه در جهان است. بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و شکل‌گیری حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران، دین جایگاه ویژه‌ای در حکومت‌داری یافت و مطابق با نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره)، شیوه‌نویسی از پیوند دین و سیاست شکل گرفت. در این الگو، دین و سیاست از یکدیگر جدا نبوده و برهم اثرگذارند. بنابراین، حکومت دینی نمی‌تواند نسبت به وضعیت دین در جامعه بی‌تفاوت باشد و لاجرم اقدام به سیاستگذاری در این عرصه خواهد کرد [۲].

برخی از کنش‌گری‌ها در این زمینه، در قالب تدوین اسناد بالادستی و اصول کلی بوده‌اند و برخی دیگر توسط سازمان‌ها صورت پذیرفته و بخش دیگر آن را مردم و فعالیت‌های خودجوش مردمی به‌منصه ظهور رسانده‌اند. درباره موفقیت اقدامات حاکمیتی و سیاستگذاری چهل سال گذشته نظام جمهوری اسلامی در زمینه دین و تبلیغ و همچنین مسائل و اولویت‌های این عرصه وحدت نظری وجود ندارد. به‌ویژه آنکه گمانه‌زنی‌ها با گسترش سکولاریسم در جهان، بر افول دین‌داری افزایش یافته است [۳]. از طرف دیگر به‌گفته اغلب کارشناسان و فعالان عرصه دین<sup>۱</sup>، اصول ذکر شده در اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور، بنا به علل مختلفی از جمله ابهام، کلی بودن و لحاظ نشدن در برنامه‌ریزی‌های عملیاتی، به اقدامات کاربردی و اثربخش ختم نشده‌اند [۴]. در این مسیر، برای بررسی مسائل مذکور و یافتن راه‌حلی ایجابی، اتخاذ گفتمانی نظری منسجم و یکپارچه، بسیار حیاتی است [۵]. از آنجایی که گفتمان‌های نظری حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی در جهان در پاسخ به مسائل جمهوری اسلامی ایران - به‌عنوان الگوی خاص و پیونددهنده دین و سیاست و همچنین در نسبت به ظرفیت‌های فرهنگی ایران ناکارآمد هستند، حرکت به‌سوی ترسیم و تبیین رویکرد و الگویی که با ماهیت انقلابی و اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران و جامعه فعلی ایران مطابقت داشته باشد، ضروری می‌نماید تا با اتخاذ این رویکرد و بینش جامعی که در اختیار قرار می‌دهد، اولاً منظری برای ارزیابی وقایع گذشته و احصای آسیب‌ها و چالش‌ها فراهم آید، ثانیاً مدلی برای برنامه‌ریزان در حرکت از اصول کلی اسناد بالادستی به سطوح عملیاتی فراهم آورد و ثالثاً ایجادکننده نوعی نظم در ارائه تفاسیر و تحلیل‌ها پیرامون وضعیت حال و آینده باشد.

اما واضح است که سیاستگذاری حوزه دین نیز مانند هر حوزه دیگری نیازمند ارزیابی مداوم وضع موجود، مرور آسیب‌شناسانه سیاستگذاری آن و همچنین به‌تصویر کشیدن وضع مطلوب برپایه اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور است. در این راستا گزارش حاضر، به ارزیابی عملکرد کلان سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین، در دو سطح «دین‌داری عمومی» و «ارزیابی عملکرد دستگاه‌های دینی» خواهد پرداخت. پس از آن براساس اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی در کشور یعنی قانون اساسی، اصول سیاست فرهنگی کشور، نقشه مهندسی فرهنگی کشور و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصویری از وضع مطلوب ارائه می‌شود. سند پژوهی و مصاحبه با خبرگان و فعالان این عرصه روش اصلی نگارش گزارش حاضر در تمامی مراحل بوده‌اند.

۱. «باید فراموش کرد که انقلاب اسلامی حقیقتاً انقلاب فرهنگی است» (مقدمه اصول سیاست فرهنگی کشور).

۲. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۱/۱۲/۱۷۱، ۱۶۲۰۰/۱۶۲۰۰، ص ۲.



## ۲. بررسی وضع موجود



در این بخش ابتدا وضعیت معنویت و دین‌داری ایرانیان به‌عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی [۶] و بخشی از ارزیابی عملکرد سیاستگذاری نهادهای مسئول بررسی خواهد شد [۷]. از آنجا که گزارش‌ها و تحلیل‌های پیرامون این مسئله به دو شیوه کمی و کیفی تقسیم می‌شوند، این وضعیت‌سنجی نیز در دو بخش بیان خواهد شد. در ادامه، آسیب‌شناسی‌های سیاستگذاری عرصه دین بیان می‌شود. بخشی از این آسیب‌ها متأثر از فضای حکمرانی - چه فرهنگی و چه غیر فرهنگی - کشور بوده‌اند، چرا که دین به‌مثابه بخش کانونی فرهنگ کشور [۸]، خواه‌ناخواه تحت تأثیر تصمیمات و اقدامات این حوزه قرار خواهد گرفت. در قسمت دیگر این بخش، چالش‌های ویژه سازمان‌های متولی این عرصه ذکر شده که حاصل تحقیقات، ارزیابی عملکرد و بررسی گفته‌های مسئولان هر کدام از سازمان‌های مزبور است و تفاوت آن با قسمت قبل آن می‌باشد که این چالش‌ها یا آسیب‌ها بیشتر از آنکه عمومی باشند، ویژه همان سازمانند.

### ۲-۱. وضعیت دین‌داری در ایران

#### ۲-۱-۱. گزارش‌های آماری

اگرچه برخی از پژوهشگران نقد‌های متعددی همچون «پایین بودن روایی گویه‌های به‌کار رفته در پیمایش‌ها» یا «ابهام گویه‌ها» را به پیمایش‌های صورت گرفته در زمینه سنجش دین‌داری وارد کرده‌اند [۹]، اما این نقدها را نباید به‌منزله عدم اعتبار تمام و کمال پیمایش‌های مزبور دانست، بلکه می‌توان با توجه به این نقدها و نظر به نقاط رسایی و نارسایی مطرح شده در آنها، استفاده بهینه‌تر و دقیق‌تری از نتایج حاصل از این پیمایش‌ها کرد.

داده‌های مرتبط با دین‌داری ایرانیان را در گزارش‌های متعددی می‌توان یافت، اما مهم‌ترین آنها که جامعه آماری گسترده‌ای داشته و به مسئله دین به‌طور اختصاصی پرداخته باشند و در عین حال بیش از دو دهه از انجام آنها نگذشته باشد، به‌ترتیب انتشار عبارتند از: موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان،<sup>۱</sup> پیمایش ملی سنجش دین‌داری ایرانیان،<sup>۲</sup> موج اول پیمایش دین‌داری ایرانیان،<sup>۳</sup> موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان،<sup>۴</sup> موج دوم پیمایش دین‌داری ایرانیان<sup>۵</sup> و گزارش مؤسسه خرد و جامعه پیرامون هویت ملی ایرانیان.<sup>۶</sup> براساس این پیمایش‌ها، دین‌داری را می‌توان به پنج بُعد کلی تقسیم کرد:

**اعتقادات:** شامل محتوای نظری هر آیینی که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسائل غایی حیات است. در واقع باورهایی را شامل می‌شود که انتظار می‌رود افراد پیرامون دین اسلام بدان‌ها اعتقاد داشته باشند تا بتوانند مجوز عضویت در گروه دینی را کسب کنند.

**امور ایمانی / امور عاطفی:** هر نگرش دارای بعد احساسی و عاطفی است. در واقع احساس به‌مثابه قوه محرکه پویاها و کنش‌های انسانی تلقی می‌شود.

**امور عبادی / مناسک:** شامل همه رفتار و آدابی که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبودش انجام می‌دهد.

**اخلاقیات:** شامل ارزش‌های اخلاقی همچون خیرخواهی، صداقت، وفای به‌عهد و امثال آن می‌شود.

**شرعیات:** بیشتر معطوف به رعایت حدود الهی و دوری از محرّمات است. به‌بیان دیگر در نظر داشتن ضوابط و ملاک‌های دینی در زندگی روزمره است که برای نگاهداشت نظم اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد [۱۰].

براساس نتایج پیمایش‌های ملی، وضعیت دین‌داری ایرانیان در بُعد اعتقادی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. مقایسه نتایج این پیمایش‌ها نشان می‌دهد در عین آنکه اعتقاد به وجود خدا در میان مردم ثباتی نسبی دارد [۱۱]، روند تغییرات این بُعد از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷ با شیب ملایمی در حال کاهش است، به‌گونه‌ای که از حدود ۹۳ درصد در سال ۱۳۸۲ به حدود ۸۸ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است [۱۲].

کلیه گزارش‌ها حاکی از قوت بُعد احساسی و عاطفی دین‌داری در ایران است. در این بُعد به‌طور معمول به رفتارهای ناشی از احساسات پاسخ‌دهندگان پرداخته شده است، از جمله رفتن به مجالس روضه و عزاداری، زیارت اماکن مذهبی و تجربه‌های معنوی نزدیکی به خدا یا اهل بیت (علیهم‌السلام) که آمار مرتبط با این اعمال تقریباً ثابت یا در حال رشد بوده‌اند [۱۳].

۱. انجام شده توسط «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» در سال ۱۳۸۲.

۲. انجام شده توسط «پسپا» در سال ۱۳۸۸.

۳. انجام شده توسط «سازمان تبلیغات اسلامی» در سال ۱۳۹۰.

۴. انجام شده توسط «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» در سال ۱۳۹۴.

۵. انجام شده توسط «سازمان تبلیغات اسلامی» در سال ۱۳۹۵.

۶. انجام شده در سال ۱۳۹۷.

میانگین بُعد عبادی دین‌داری در این پیمایش‌ها از نظر کیفی در سطح «متوسط» و از نظر کمی ۳,۱ از ۵ است. تفاوت معناداری بین اهتمام به مناسک و عبادات فردی و جمعی دیده می‌شود. در حالی که ۷۵ درصد از مردم همیشه یا اغلب اوقات نمازهای واجب خود را می‌خوانند، اما ۲۷ درصد از در نمازهای جماعت شرکت می‌کنند و یا میزان شرکت در نماز جمعه حدود ۱۵ درصد است [۱۲].

در بُعد ارزش‌های اخلاقی گزارش‌ها نشان می‌دهند، حدود ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که «ارزش‌های اخلاقی توسط دیگران رعایت نمی‌شود» و بیش از ۳۰ درصد بر این باورند که هنجارهای اخلاقی «تا حدودی» در جامعه رعایت می‌شود. این در حالی است که حدود ۵۰ درصد از مردم معتقدند که خودشان اصول اخلاقی را در سطح بالایی رعایت می‌کنند [۱۴]. در مجموع بنابر گزارش‌ها می‌توان گفت که پایبندی به ارزش‌های اخلاقی روند نسبتاً ثابتی داشته است [۱۲].

برآورد گزارش‌ها از بعد شرعیات و رعایت حدود الهی متفاوت است و لزوماً به نگاه جامعی در این بعد ختم نمی‌شود. زیرا اولاً حدود الهی متعدد و گسترده هستند و ثانیاً گویه‌های به کار رفته در این بخش، در گزارش‌های مختلف ناهمگونی دارد [۱۲]؛ در نتیجه نمی‌توان آمارهای مرتبط با این بعد مثل روابط نامشروع یا میزان مصرف مشروبات الکلی را به کل وضعیت شرعیات نسبت داد. در جدول زیر آمار مرتبط با هر کدام از این ابعاد مطابق با گزارش‌های مذکور آمده است:

جدول ۱. آمار مرتبط با میزان دین‌داری ایرانیان طی دو دهه اخیر (اعداد به درصد هستند)

اخلاقیات	امور عبادی / مناسک						امور ایمانی / عاطفی	اعتقادات			عنوان گزارش / بُعد
	روزه			نماز				کج	متوسط	زیاد	
	کم	متوسط	خیلی	اصلاً	گاهی	مرتب					
-	۵	۹,۲	۸۵,۸	۱۲,۹	۱۷,۶	۶۹,۵	-	۱,۶	۵	۹۳,۳	موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۸۲)
-	۱۶	۱۲,۵	۶۸,۵	۱۴,۱	۷,۸	۷۷,۴	-	۶,۷	۹۴,۳	پیمایش دین‌داری ایرانیان، ایسپا (۱۳۸۸)	
۸۵,۲ (قوی)	۱۲,۷	۸,۹	۷۸,۴	۷,۶	۱۳,۵	۷۸,۸	۹۲,۵ (قوی)	-	-	۹۲,۸	موج اول دین‌داری ایرانیان. سازمان تبلیغات (۱۳۹۵)
۷۸,۸ (قوی)	۱۱,۸	۱۵,۷	۷۲,۵	۳	۱۸,۳	۷۸,۵	۸۳,۵ (قوی)	۲	۱۲,۷	۸۴,۳	موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۹۴)
۷۸,۹ (قوی)	۱۴	۱۱,۲	۷۴,۴	۶,۳	۱۷,۹	۷۶,۸	۷۹,۶۵ (قوی)	۱,۲	۴,۹	۹۳,۸	موج دوم دین‌داری ایرانیان. سازمان تبلیغات (۱۳۹۵)
-	-	-	۶۶,۶	۶,۸	۲۱,۱	۷۱,۸	۸۲,۵ (قوی)	-	-	۸۷,۷	گزارش هویت ملی. مؤسسه مطالعات خرد و جامعه (۱۳۹۷)

مأخذ: [۱۲].



## ۲-۱-۲. گزارش‌های کیفی و تحلیلی

همان‌طور که آمارها بیان می‌دارند، روند کاهشی شاخص‌های دین‌داری برای کل کشور جزء برای چند شاخص چشمگیر نیست [۱۵]. آمار مربوط به شاخص حضور در نمازهای جماعت و جمعه‌نشان از روند کاهشی بیشتری نسبت به بقیه شاخص‌ها دارد. شاخص میزان شرکت در مراسم روزه‌خوانی نیز به‌طور قابل توجهی در طول زمان افزایش پیدا کرده است. مقادیر شاخص‌ها در قسمت دین‌داری جوانان، غالباً در طول زمان ثابت مانده و در شاخص‌هایی که افزایش و یا کاهشی وجود داشته، این تغییرات جزء برای شاخص میزان شرکت در نماز جماعت اندک است [۱۵].

از آن جهت که عده نسبتاً کمی از متخصصان وجود دارند که «وضعیت دین‌داری را ثابت تلقی کرده‌اند» [۱۲] و غالب متخصصان نظری خلاف آن داشته و گزارش‌های آماری نیز همخوانی بیشتری با نظر مخالفان دارد، نوعی از تحول در دین‌داری ایرانیان قابل تصور است که این تحول لزوماً به معنای کاهش دین‌داری نیست؛ بلکه نشانگر نوعی از تحولات در الگوهای دین‌داری است. اما در تبیین چیستی و چگونگی این تحول نظرات متعددی بیان شده که برخی از صاحب‌نظران از این تغییرات با عنوان «انتقال دین‌داری» و «تکثر در دین‌داری» یاد می‌کنند [۱۲]؛ در صورتی که قوت بعد اعتقادی که مرتبط به اصول دین اسلام است؛ چندان با این نظریات سازگار نیست. عده دیگری کاهش میزان شاخص‌های نمازهای جماعت و جمعه را با نظریه «خصوصی شدن دین‌داری در عصر مدرن»<sup>۱</sup> تبیین می‌کنند. همچنین میزان کاهش این شاخص‌ها در سال‌های اخیر را این‌گونه توضیح می‌دهند که مردم از مناسک جمعی که بیشتر تحت کنترل سیاسی و نهادی قرار دارند، فاصله گرفته‌اند و بیشتر به سمت اعمال دینی فردی یا اعمالی می‌روند که کمتر با سیاست در ارتباط است. این گروه میزان بالای شاخص‌های دین‌داری اعتقادی و به خصوص تجربی را که بیشتر به رابطه شخصی انسان با خداوند مربوط است، مؤید گفته‌های خود در نظر می‌گیرند [۱۵]. این دسته از تحلیل‌ها توانایی توضیح اقبال عموم به مناسک جمعی همچون اربعین را ندارند. گروه دیگری دلیل این تحول را در فرارفتن (و نه گذار) از رویکرد فقهی دین‌داری در دهه‌های اول انقلاب به سوی رویکردهای عاطفی و هیجانی در دو دهه اخیر جست‌وجو می‌کنند؛ به نحوی که این فراروی در دو سطح فردی و جمعی قابل ردیابی است. از سویی، بخشی از جامعه با فاصله گرفتن از خوانش رسمی از طریق نوعی تفسیر متفاوت از متون دینی، همچنان احساسات دینی خود را حفظ می‌کنند. همچنین، خوانش نهادهای رسمی از دین و دین‌داری به تدریج تغییر کرده و الگوی باز تولید بسیج دینی را بیشتر متمرکز بر عواطف و هیجانات ساخته است [۱۳]. بنابراین به اعتقاد این دسته از صاحب‌نظران، الگوهای دین‌داری از الگوی شریعت‌مدارانه یا فقهی و کلامی به الگوی عاطفی-هیجانی [۱۶] یا عرفانی و اخلاقی<sup>۲</sup> در حال تغییر است.

## ۲-۲. آسیب‌شناسی سیاستگذاری عرصه دین در کشور

پیش از بیان آسیب‌های سیاستگذاری عرصه دین در کشور، شایسته است تا نگاه‌های مختلف به سیاستگذاری فرهنگی در کشور مورد بررسی قرار گیرد. به‌طور کلی دو نگاه به سیاستگذاری فرهنگی در کشور وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران منکر وجود/امکان سیاستگذاری در کشور می‌شوند. عده‌ای در این دسته، جامعه ایرانی را جامعه‌ای کم‌ثبات دانسته و در نتیجه به دلیل فقدان پایداری یا ثبات - که شرط اول و لازم برنامه‌ریزی است - طرح مسئله سیاستگذاری در ایران را غیرممکن تصور می‌کنند [۱۷] و عده دیگری از افراد این دسته، فهم رایج از سیاستگذاری را اشتباه و ناقص می‌پندارند [۴].

در مقابل، عده دیگری سیاستگذاری در کشور را با تمام کم و کاستی‌هایش پذیرفته و سعی داشته‌اند تا آسیب‌های این وضعیت را برشمارند. در این میان، گروهی ریشه آسیب‌های سیاستگذاری فرهنگی کشور را در امور غیرفرهنگی به‌ویژه اقتصاد یا سیاست دانسته‌اند و عده دیگری به‌طور مشخص پیرامون فرهنگ سخن گفته‌اند که هر کدام از این آسیب‌ها در ادامه بیان خواهد شد.

### ۲-۲-۱. آسیب‌های زمینه‌ای فضای سیاستگذاری عرصه دین در کشور

#### الف) تغییر توازن اجتماعی و فرهنگی به واسطه توسعه ناپایدار / نادرست

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، برنامه‌های توسعه در ایران، در طول سالیان متمادی منجر به حذف طبقه میانی اقتصادی جامعه شده‌اند و طبقات میانی جامعه، خود به دو دسته طبقات میانی بالایی - که نماینده طبقات فرادست جامعه‌اند؛ و طبقات میانی پایینی - که نماینده طبقه

۱. نظریه خصوصی شدن دین که توسط پارسونز ارائه شده است، از مهم‌ترین نظریه‌های عرفی شدن دین به‌شمار می‌رود که در آن به پنج دسته از عوامل مؤثر بر وقوع این فرایند اشاره می‌کند که عبارتند از: تمایز یابی ساختی جوامع، عقلانی شدن، تکثریابی و نسبیت، رشد فردیت و جهانی شدن [۵۵].

۲. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۲/۱۲/۲۰۰۱-۱۶۲۰۰، ص ۲.

فرودست جامعه‌اند؛ تقسیم می‌شوند. کوچک شدن طبقه میانی جامعه و تغییر توازن اجتماعی، به ضرر طبقه فرودست جامعه تمام خواهد شد، به گونه‌ای که دیگر صدا یا تصویر آنها در ساحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شنیده یا دیده نخواهد شد و رفته رفته به تعبیر کارشناسان، انگاره «فرودست» در جامعه و به ویژه اذهان سیاستگذاران کم‌رنگ و استحاله خواهد شد.<sup>۱</sup> این امر مانع از درک درست و شناخت مسائل واقعی فرهنگی جامعه خواهد بود [۱۸].

### ب) خدشه دار شدن برخی باورهای دینی مردم به واسطه گسست میان نظر و عمل در بخش‌هایی از حاکمیت<sup>۲</sup>

به گفته برخی از کارشناسان، مطابقت نداشتن قول و فعل در بخش‌هایی از حاکمیت در چند دهه اخیر، سبب تنش‌های جدی به ویژه در مسئله دین‌داری شده است.<sup>۳</sup> به عقیده این افراد شکاف میان قول و فعل ابتدا در سیاست، سپس در اقتصاد و در آخر در فرهنگ مردم نمایان خواهد شد. در حقیقت مسئله روز سیاستگذاری عرصه دین در کشور، «باور» مردم است و نه «صدق و کذب معرفت» آنها که با تبیین و استدلال اصلاح شود و خلل در این باورها نتیجه دوگانگی‌های قول و فعل در طول چند دهه اخیر از سوی برخی از دولت‌ها و برخی از بخش‌های اجرایی دیگر بوده است.<sup>۴</sup> از منظر این افراد، سیاست و اقتصاد تأثیر بسزایی در تربیت دینی جامعه خواهند داشت [۱۸].

### ج) از بین رفتن خلاقیت و نادیده گرفتن تفاوت‌ها به واسطه رشد عرصه سیاسی در فرهنگ (سیاست‌زدگی فرهنگ)<sup>۵</sup>

ورود سیاست به عرصه فرهنگ و تمامیت‌خواهی آن و در نتیجه جلوگیری از رشد نیروهای خلاق را می‌توان به عنوان یکی دیگر از موانع و آسیب‌های مورد اشاره خبرگان از فضای سیاستگذاری عرصه دین در کشور دانست [۱۹]. ورود مستقیم دولت به اجرای امور مرتبط با دین و فرهنگ سبب شده است تا برخی از رویدادها و رخدادهای دینی که بنیادهای مردمی دارند، به سیاست‌گره خورده و از آن غیرقابل تفکیک شوند [۱۳]. بر این اساس، الگوی ترویج‌یافته از سوی دولت‌ها تنها از یک گونه سبک زندگی دینی حمایت می‌کند. این در حالی است که تحقیقات نشان از تفاوت‌های فرهنگی متعدد و الگوهای متفاوت دین‌داری در ایران دارد [۱۵] و این رویکرد بالا به پایین سبب نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی خواهد شد.

### د) در اولویت نبودن و مظلومیت فرهنگ به ویژه عرصه دین<sup>۶</sup>

چه در ساختار بودجه‌ای کشور و چه در ساختارهای تصمیم‌گیر، نمی‌توان سهم فرهنگ را هم‌سنگ با دیگر عرصه‌های قدرتمند دانست [۲۰]. فعالان و مسئولان سازمان‌های مرتبط با عرصه دین اذعان دارند که این بی‌توجهی به طرز چشمگیری در عملکرد آنها تأثیر منفی داشته است.<sup>۷</sup> در گزارش‌های بودجه‌ای کشور، به طور کلی مظلوم بودن مقوله فرهنگ به وضوح دیده می‌شود، به نحوی که برای مثال در سال ۱۴۰۲ حدود ۲ درصد از کل مصارف بودجه کشور به فرهنگ مربوط است [۲۱] و بخش بسیار کوچکی (حدود ۱۶ درصد) از این ۲ درصد به دین و مذهب اختصاص داده شده است [۲۲].

۱. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۰: «ما در برنامه هفتم توسعه، اولویت اصلی برنامه را گذاشتیم پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت. مسئله عدالت هم مهم است؛ یعنی اگر چنانچه ما پیشرفت بدون عدالت داشته باشیم، در واقع پیشرفت نکرده‌ایم؛ پیشرفت باید همراه با عدالت باشد؛ البته ساز و کار دارد، راه دارد؛ اینجور نیست که امکان پذیر نباشد، یک چیز معضل و مبهمی باشد؛ نه، راهکار وجود دارد.» همچنین بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار مردم قم در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹: «یک خطایی [هم] داریم من به مسئولان حکومتی خودمان: ... همه بایستی مراقب باشیم. حالا طبقاتی هستند که مرفهند، مشکلات زندگی آنها را فشار نمی‌دهد؛ اما یک گروه مهتی هم در کشور هستند که فشارهای زندگی، آنها را زیر فشار قرار می‌دهد. باید همه همت ما این باشد که اینها را از زیر فشار خارج کنیم؛ تلاشمان باید این باشد.»  
۲. ن. ک. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ ... هر گاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.»  
۳. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۲/۱۲/۲۰۱۶-۱۶۲۰، ص ۲.  
۴. همان.

۵. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خطبه‌های عید فطر در تاریخ ۱۳۹۶/۰۴/۰۵: «از جمله کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خلل و فرج فرهنگی زیاد داریم؛ این راه هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند. «آتش به اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحب‌اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کارهای فرهنگی را پیش ببرند.» همچنین بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۳: «جوان‌های عزیز! ... شما هستید که باید این تاریخ را با عزت‌ش محفوظ نگه دارید؛ شما هستید که این بار مسئولیت را بر دوش دارید؛ خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، بلکه در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است. ... اینکه گفتیم جوان‌های مؤمن و حزب‌اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را زها نکنند و دنبال نکنند، و همه دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و می‌کنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است. اینکه از همه استعداد‌های موجود کشور دعوت می‌کنیم که استعداد‌های خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت می‌کنیم که از این استعدادها استقبال نکنند، این بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است.»

۶. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۶/۰۶/۰۴: «از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. ... یا در اولویت‌بندی‌ها این اولویت فدای اولویت‌های دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود. این مظلومیت است دیگر. واقعا مسئله فرهنگ را دست کم نگیرد. خیلی از مشکلات جامعه ما با فرهنگ‌سازی حل می‌شود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه فرهنگی دارد کار می‌کند.»



## هـ) کم‌رنگ بودن / فراگیر نبودن نقش مردم در فرایندهای سیاستگذاری فرهنگی کشور<sup>۱</sup>

بنابر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، جوهره اصلی حکمرانی کشور، مردمی بودن آن و پیوند با این نهاد است [۲۳]. در حالی که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و همچنین براساس بسیاری از پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، به‌ویژه نهادهای دینی از ساختارهای مردمی فاصله گرفته و به همان میزان به‌وسیله نهاد دولت اداره می‌شوند و این دولتی شدن منجر به فاصله گرفتن از اداره امور دینی با رویکرد مردمی شده است [۱۹]. مردم یا نهادهای مردمی در سیاستگذاری سازمان‌های دینی نقش جدی نداشته‌اند و این امر سبب فاصله گرفتن خواسته‌ها و اقدامات آنها از یکدیگر شده است [۲۴].

## ۲-۲-۲. آسیب‌های مدیریتی سیاستگذاری عرصه دین در کشور

این بخش از آسیب‌ها مرتبط به مرحله «اجرا» و «ارزیابی» سیاست‌هاست<sup>۲</sup> که عبارتند از:

### الف) عدم استقرار کامل قرارگاه مرکزی سیاستگذاری

به گفته تمامی فعالان<sup>۳</sup> و خبرگان مصاحبه شده، از ضعف‌های اصلی سیاستگذاری عرصه دین در کشور، فقدان قرارگاهی مرکزی است که جهت و چارچوب کلی سیاست‌های سازمان‌ها را تعیین نماید و بر این جهت‌گیری نظارت کند. در حال حاضر، تعداد قابل توجهی از مجموعه‌ها و نهادهای فرهنگی یافت می‌شود که نقش سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی عمومی و تخصصی برای امور فرهنگی را برعهده دارند، اما به‌صورت مشخص و در عمل یک سازمان یا نهاد چنین نقشی را بازی نمی‌کند [۲۵]. شورای عالی انقلاب فرهنگی بنابر منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)<sup>۴</sup> و همچنین طبق اصول سیاست فرهنگی و نقشه مهندسی فرهنگی نقش‌محوری را منحصرأ در حیطه تعیین سیاست‌های کلی حوزه فرهنگ برعهده دارد [۲۶]، ولی در واقع چنین اتفاقی رخ نداده و در عمل بین حیطه‌های «سیاست‌گذاری»، «قانون‌گذاری» و دیگر سطوح حکمرانی که مجریان هر کدام از این سطوح متفاوت هستند، خلط شده است. از طرفی ساختار شورای عالی انقلاب فرهنگی به علت گستردگی مسائل و محدودیت منابع مالی و انسانی، توان ایفای چنین نقشی را در قبال سازمان‌های متکثر و متعدد در عرصه دین نداشته است<sup>۵</sup> و از سوی دیگر این سازمان‌ها با تعدد دستورات و مراکز بالادستی مواجه بوده‌اند [۲۵]. مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی هر کدام از سازمان‌ها تنها بخشی از نهادهای بالادست دستگاه‌های عرصه دین به‌شمار می‌روند. در واقع نه‌تنها قرارگاه مرکزی و سیاست‌محوری پیرامون فعالیت دستگاه‌های حوزه دین - اعم از داخل یا خارج از کشور - وجود نداشته [۲۰]، بلکه تعدد و تراکم مراکز بالادستی در این زمینه وجود دارد [۲۴].

### ب) ضعف نظارت بر اجرا و ارزیابی سیاست‌ها

اغلب صاحب‌نظران و فعالان نهادهای عرصه دین معتقدند که نظارت مؤثری بر فعالیت‌های این عرصه صورت نمی‌پذیرد [۲۷]. اینکه انتظار دقیق سیاستگذار از سازمان‌ها و وظایف مکلف شده به آنها چیست و چگونه باید به آنها دست یابند، شفاف نیست [۲۴] و همین امر موجب سردرگمی آنها شده که بر این اساس خلأ نظارت بر اجرا و ارزیابی سیاست‌ها در کنار تعدد و پراکندگی آنها مانع از شکل‌گیری روند ثابت در

۱. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ارتباط تصویری با مردم قم در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۹: «گاهی اوقات صاحب‌نظران و متخصصین که جزو مردم‌اند، نظراتی، شیوه‌هایی را برای کار در بخش‌های مختلف به دولت‌مردان ارائه می‌دهند، [مسئولین] یک سازوکاری را پیش بگیرند که بتوانند از این نظرات استفاده کنند که در حقیقت مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ این یک و برای این هم که از ظرفیت‌های مردمی هم در عمل چگونه بایستی استفاده کرد، سازوکار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند. کسان زیادی هستند که مایل‌اند به دولت در بخشی از کارها کمک برسانند و کمک کنند؛ راهش باید مشخص بشود که طریقه اتصال کمک مردمی مثلاً به این بخش این است؛ اینها باید بنشینند فکر کنند؛ اینها احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن و مانند اینها. از ظرفیت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند... بنابراین مردمی بودن یکی از کارهای بسیار اساسی است و باید دولت‌مردان این را به همین شکلی که اجمالاً عرض شد دنبال بکنند». و باند «۳» حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۶: «با توجه به رویش‌های معتنا و جوشش‌های فراوان فعالیت‌های فرهنگی در سطوح مردمی، خصوصاً جوانان مؤمن و انقلابی، دستگاه‌های فرهنگی نظام و در رأس آنها شورای عالی انقلاب فرهنگی باید نقش حلقه‌های مکمل و تسهیل‌گر و الهام‌بخش را در فعالیت‌های خودجوش و فراگیر مردمی عرصه فرهنگ برای خود قائل باشند و موانع را از سر راه آنها کنار بزنند».

۲. مدل فرآیندی سیاستگذاری شامل پنج مرحله «شناسایی مسئله»، «شناسایی راه‌حل‌ها»، «تصمیم‌گیری»، «اجرا» و «ارزیابی» است. در این بخش به دو مرحله پایانی و در بخش بعدی به سه مرحله ابتدایی پرداخته شده است [۵۱].

۳. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۳۹۳/۰۷/۲۶، ص ۲.

۴. برای نمونه ن. ک. به حکم مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۳: «مأموریت شورای عالی انقلاب فرهنگی، هدایت دستگاه‌های متصدی آن به سمت ارزش‌ها و هدف‌های انقلاب، و برآوردن نیازهای فکری این دستگاه‌ها و ظاهر شدن در نقش قرارگاه فرهنگی کشور بوده است». یا حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۶: «فلسفه وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهم و تبیین و تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و بازارآیی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفت‌های فرهنگی کشور متناسب با ظرفیت‌ها و شایستگی‌های عظیم ایران اسلامی و انقلابی است. مدیریت راهبردی چالش‌های این حوزه با «استفاده کامل و کارآمد و هم‌افزا از همه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها» و نیز «مهارت‌یابی و آسیب‌ها با نگاه حکیمانه و معقول» و «مواجهه هوشمندانه با معارضات مهاجمان و ستیزه‌گران» از جمله تکالیف اصلی این شورا است. عرصه‌های کلیدی و اساسی همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، فرهنگ عمومی، مهندسی فرهنگی، حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است».

۵. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹: «هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند - چون حکومت به‌طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت‌المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است - برای این که امانت به‌خرج دهند و سوءاستفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد».

سازمان‌های دینی شده است [۲۴].

### ج) کمبود نیروی انسانی متخصص و متعهد در سیاستگذاری عرصه دین<sup>۱</sup>

محصول کم شدن بودجه سازمان‌های حوزه دین، کاهش انگیزه نیروی انسانی کارآمد و متخصص و نهایتاً افت چشمگیر عملکرد این سازمان‌ها بوده است. <sup>۳</sup> داده‌های مرتبط با بودجه سازمان‌های حوزه دین نشان می‌دهند که درصد قابل توجهی از هزینه این سازمان‌ها (بیش از نصف) صرف جبران خدمات کارکنان و نیروی انسانی آنها می‌شود [۲۷]. عواملی مانند تورم در کنار افزایش نیافتن مناسب بودجه دستگاه‌های این حوزه، سبب نزول تدریجی انگیزه نیروی انسانی متخصص و حتی خروج این افراد از سازمان‌های مزبور شده است [۲۰].

### د) تقسیم کار ناکارآمد<sup>۲</sup>

توزیع ناکارآمد وظایف، نتیجه تعدد و پراکندگی سیاست‌های حاکم بر عرصه دین [۲۴]، در کنار فهم نادرست از سیاستگذاری و نقش دولت در اداره امور دینی [۴] و همچنین استفاده از بروکراسی به‌مثابه تنها ابزار حکمرانی فرهنگ [۱۹] بوده و اکنون، خود به یکی از دلایل وضعیت نابسامان سیاستگذاری عرصه دین بدل شده است، به‌نحوی که موازی‌کاری و ناهماهنگی حاصل از آن در میان سازمان‌های دینی، نکته مورد تکیه کلیه فعالان و کارشناسان<sup>۳</sup> مصاحبه شده است [۲۰] و همگی به انباشت نهادی در این حوزه اذعان داشته‌اند.

از میان تمامی سازمان‌های فرهنگی موجود در کشور، ۱۲۷ ساختار (۲۷،۵۳ درصد) در زمینه امور تبلیغی فعالیت دارند که از این تعداد، ۶۳ ساختار (۱۳،۷۸ درصد) به امور پژوهشی و هشت ساختار (۱،۷۶ درصد) به امور آموزشی نیز می‌پردازند و در مجموع دو ساختار هر سه‌گونه

جدول ۲. درصد ساختارهای فرهنگی مرتبط با عرصه تبلیغ بر اساس زمینه فعالیت آنها به نسبت کل سازمان‌های فرهنگی

تبلیغی-پژوهشی	تبلیغی-آموزشی	تبلیغی	زمینه فعالیت
۱،۷۶	۱۳،۷۸	۲۷،۵	درصد به نسبت کل سازمان‌های فرهنگی

مأخذ: [۲۵].

همچنین ۳۱ ساختار (۶/۸ درصد) نقش سیاستگذار، ۹۲ ساختار (۲۰ درصد) نقش برنامه‌ریز، ۴۲۵ ساختار (۹۳/۶ درصد) نقش پشتیبانی عمومی و ۴۳۶ ساختار (۹۶ درصد) نقش پشتیبانی خصوصی را بر عهده دارند.

### جدول ۳. تعداد ساختارهای فعال تبلیغی در کشور به همراه نقش و زمینه فعالیت آنها

تبلیغی-آموزشی-پژوهشی	تبلیغی-پژوهشی	تبلیغی-آموزشی	تبلیغی	نقش / زمینه فعالیت
۱	۳	۱	۸	سیاستگذاری
۲	۱۱	۲	۳۷	برنامه‌ریزی
۲	۶۱	۶	۱۱۹	پشتیبانی عمومی
۲	۶۳	۸	۱۱۱	پشتیبانی خصوصی

مأخذ: همان.

۱. ن. ک. به بیانات در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱: «[نکته] بعد هم تربیت مبلغ. در این کانون به معنای واقعی کلمه مبلغ تربیت بشود. همچنان که مجتهد تربیت می‌کنیم، مبلغ تربیت کنیم... مبلغینی که بتوانند اثرگذار باشند، بتوانند همه‌جا منتشر باشند و از لحاظ کمیت کفایت کنند. یک جاهایی را بنده سراغ دارم که اینها از بودن یک روحانی فعال بین مردم محروم‌اند؛ یکی دو جا [هم] نیست، خیلی زیاد است؛ مثلاً در مرکز کشور، من باب مثال در خود تهران، مواردی از این قبیل داریم. کمبود معلم، کمبود مبلغ، کمبود پیام‌رسان روحانی بایستی در این کانون جبران بشود. بنابراین آنچه حتماً باید دنبال بشود و جزو کارهای اساسی است، و امروز که شما شروع کنید، ممکن است پنج سال دیگر یا بیشتر نتیجه بدهد، این است که یک چنین کانونی به وجود بیاید با این چند مأموریتی که گفته شد».

۲. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۹/۰۶/۰۸: «یک مسئله دیگر هم در مدیریت‌های دولتی، کار موازی است. در دولت نباید کارهای موازی انجام بگیرد. کار موازی چند عیب دارد: اولاً هزینه انسانی زیادی بیجا مصرف می‌شود، ثانیاً هزینه مالی زیادی مصرف می‌شود، ثالثاً تناقض در تصمیم‌گیری‌ها به وجود می‌آید و رابعاً از همه بالاتر، مسئولیت لوٹ می‌شود».

۳. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۴۱۷/۰۱/۱۶۲۰-۸۲، ص ۲.



همان‌طور که در جداول بالا مشاهده می‌شود، سازمان‌ها و ساختارهای متعددی نقش‌های مذکور در سیاستگذاری عرصه دین در کشور را برعهده دارند. در برخی از موارد برای یک مسئله، دو مجرای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی لحاظ شده که در بسیاری از موارد ارتباط بین دستگاه‌ها کاملاً گنگ و نامشخص است. مثلاً استاد اقامه نماز، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت سیاستگذاری در موضوع «نماز و گسترش روحیه معنویت در دانشگاه‌ها» را برعهده دارند [۲۵].

### ۲-۲-۳. آسیب‌های معرفتی / ذهنیتی در سیاستگذاری عرصه دین در کشور

این بخش از آسیب‌ها به مرحله «شناسایی مسئله» و «شناسایی راه‌حل‌ها» و «تصمیم‌گیری» در سیاستگذاری عرصه دین اشاره دارند که عبارتند از:

#### الف) فهم اشتباه از حکمرانی در میان‌داری دولت بین سه بخش بازار، مردم و دولت

صاحب‌نظران معتقدند که فهم سیاستگذاران از حکمرانی و سیاستگذاری حوزه دین اشتباه و در برخی موارد ناقص است [۴]. حکمرانی به معنای میان‌داری بین سه نیروی اجتماعی جامعه یعنی بازار، مردم و دولت است و سیاستگذاران هنوز نتوانسته‌اند تعادل میان این سه بخش را به گونه‌ای برقرار سازند که هر سه نیرو به سهم درست خود برسند. به عبارت دقیق‌تر، حکمرانی، خودسامانی شبکه‌های درون‌سازمانی است که با وابستگی متقابل با یکدیگر در یک بازی، قوانین بازی را رعایت کرده و به تعامل با یکدیگر می‌پردازند [۲۸]. این ناکامیابی به سبب بی‌توجهی یا فهم اشتباه از مفهوم حکمرانی و خلط آن با «برنامه‌ریزی» صورت گرفته است [۴]. نظام سیاستگذاری فرهنگی کشور در نحوه و حدود دخالت دولت در امور فرهنگی به‌ویژه دین ایده مشخصی ندارند. برخی از آنها مخالف هرگونه دخالت و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ [۲۴] به‌ویژه عرصه دین هستند [۱۶] و در مقابل، برخی تمامی امور مرتبط با دین را از شئون دولت دانسته و سهم ناچیزی برای دو نیروی دیگر قائلند. عده دیگری نیز بر این باورند که سیاستگذاری در عرصه دین در ایران امروز، از بالا به پایین است. در حالی که امر دینی‌ساختی فرهنگی داشته و دارای بنیادهای مردمی است [۲۹] و از آنجا که در الگوهای جدید حکمرانی فرهنگی، نقش مردم پررنگ‌تر است [۳۰]، ضروری است که به سهم مردم در نظام حکمرانی توجه ویژه‌ای شود. خلاصه آن که دولت برای خود نقشی فراتر از میانجی‌گری نیروهای اجتماعی سه‌گانه متصور است که مانع از شکل‌گیری صحیح حکمرانی مردم‌مدار می‌شود.

#### ب) ذهنیت دولت‌زده مردم و سیاستگذاران / دیوان‌سالار شدن فرهنگ<sup>۱</sup>

تاریخ استبدادی چنددهه‌ای ساله ایران نشان می‌دهد که در نظام‌های سیاسی پیش از انقلاب اسلامی، مردم نقش اندکی در اداره جامعه داشتند و اکثر امور به دست شاهان و حاکمان بود. حتی بعد از شکل‌گیری ناقص دولت مدرن در دوره پهلوی، دولت یا به عبارت دقیق‌تر، شاه اداره تمامی امور را به دست داشت.<sup>۲</sup> به اعتقاد صاحب‌نظران، این انباشت تاریخی موجب شده است تا ذهنیتی مبنی بر اینکه «دولت همه‌کاره اداره امور است» در ناخودآگاه جمعی ایرانیان شکل بگیرد [۳۱] [۲۳]. چنین ذهنیت دولت‌زده‌ای از طرفی سبب انفعال مردم در فرایندهای اداره کشور شده و از طرف دیگر زمینه ورود تمام‌عیار نهاد دولت به حوزه‌های مختلف اداره کشور را فراهم ساخته و از آنجا که ابزار اصلی حکمرانی دولت، دیوان‌سالاری (بروکراسی) و نهادسازی است، زمینه دیوان‌سالاری شدن (بروکراتیک شدن) فزاینده فرهنگ و امور دینی را ایجاد کرده است [۱۹]. برای نمونه شکل‌گیری ستادی به نام «ستاد امر به معروف و نهی از منکر»، ذهنیتی در میان مردم ایجاد کرده که این ستاد متولی علی‌الطلاق این دو واجب دینی است و همه امور مرتبط با فریضتین را برعهده دارد [۳۲]. در حالی که براساس آموزه‌های دین مبین اسلام و همچنین رهنمودهای رهبران انقلاب،<sup>۳</sup> اساساً احیای این فریضتین برعهده هر مکلفی اعم از مردم و حاکمیت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که خود ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز تصور تولیت کامل این عرصه را دارد [۳۳].

#### ج) عدم وفاق پیرامون وابستگی یا عدم وابستگی سازمان‌های حوزه دین به قوه مجریه

رویکردهای متعددی پیرامون وابستگی سازمان‌های حوزه دین به قوه مجریه وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران، بر این وابستگی تأکید ورزیده و معتقدند که تنها راه حیات این سازمان‌ها آن است که توسط بودجه دولتی اداره شوند، چرا که صرف نظر از اهمیت حوزه دین و مکلف بودن حکومت دینی در این باره،<sup>۴</sup> واگذاری تمام سازمان‌های دینی به بخش غیردولتی سبب دخالت انگیزه‌های برخاسته از بازار و سرمایه در حوزه

۱. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۵: «ساختار فرهنگی کشور یک بازسازی انقلابی لازم دارد. اولاً مراد، «ساختار فرهنگی کشور» است... یعنی جامعه؛ نه ساختار فرهنگی دولت؛ یعنی ذهنیت جامعه، فرهنگ جامعه، انقلاب اسلامی ایران مثل همه انقلاب‌ها، بنیان‌های پیشین را تغییر داد... طبیعت هر انقلابی این است. خوب حالا مراد ما از بنیان‌های فرهنگی غلط چیست. مراد، گزاره‌های غلطی است که بر آذهان مردم حاکم است. ذهن مردم به تدریج و تحت عوامل مختلف، تحت تأثیر گزاره‌های غلطی قرار می‌گیرد. حالا مثلاً در انقلاب ما یکی از گزاره‌های غلط که می‌شود مثال زد، مسئله «همی‌توانیم» بود. یعنی واقعاً به ذهنیت جامعه ما، جوانان ما، «همی‌توانیم» حاکم بود».

۲. ن. ک. بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۲: «ما قبل از انقلاب زندگی کردیم، تنفس کردیم؛ حقیقتاً... ملت یک مجموعه از هم‌گسخته‌ای بود که هر کسی به فکر خودش بود، امر ملی‌ای در کشور مطرح نبود؛ مسئله عمومی در کشور مطرح نبود... امام بزرگوار با آن حرکت الهی و معنوی خودش توانست این توده متفرق و پراکنده را به یک مجموعه واحد و به معنای حقیقی کلمه به یک جمع متحد تبدیل کند و وارد میدان کند و این کار عظیم تاریخی یعنی ریشه‌کن کردن نظام مستبد پادشاهی را در کشور انجام بدهد. هر چیزی که بتواند ملت را به یک جمعیت متحد، پُرشور، پُرانگیزه، وارد میدان تبدیل بکند و کمک به این قضیه بکند، چیز مغتنم و مهمی است. به نظر ما حرکت براساس ارزش‌های انقلاب این خاصیت را دارد».

۳. بیانات امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۸/۰۷/۰۲: «[اسلام] به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح، و جلوگیری کنید از کارهای فاسد».

۴. ن. ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱: «دین خدا آمده است با ما انسان‌ها چه بکند؟ خوب یک هدف نهایی داریم که عبارت است از اینکه ما را در مسیر خلیفه‌اللهی، در مسیر انسان کامل ارتقا بدهد، بالا ببرد... این هدف نهایی دین است. هدف‌های میانی و ابتدایی هم وجود دارد؛ مثلاً اقامه قسط: لیتقوم الناس بالقسط؛ (۱) یا تشکیل نظام اسلامی؛ و ما از سئلنا من رسول



دین خواهد شد و همین امر مغل اهداف اصلی سیاستگذاری در این عرصه است.<sup>۱</sup>

در مقابل گروهی بر واگذاری کامل این عرصه به بخش غیردولتی و حذف هرگونه دخالت از سوی دولت به آن تأکید دارند [۲۴]. این افراد معتقدند که ورود دولت به ساحت دین سبب تخریب قلمرو دین و کارکردهای آن شده است [۳۲]؛ در نتیجه مخالف هرگونه وابستگی نهادهای دینی به دولتند. اضافه آنکه این افراد انتقادهایی به وابستگی اقتصادی نهادهای فرهنگی به دولت و بودجه دولتی دارند.<sup>۲</sup> از جمله این انتقادات آن است که وابستگی بودجه‌ای سازمان‌های دینی به دولت و در اصطلاح «نفی شدن» آنها، این سازمان‌ها را دچار روزمرگی می‌کند که از بزرگ‌ترین آفت‌های دینی است. دیگر آنکه این وابستگی از تعیین و پیش‌برد فعالیت‌های آن سازمان‌ها به صورت خودجوش و مردمی جلوگیری خواهد کرد، زیرا در صورت عدم تبعیت از سیاست‌های سازمان‌های دولتی بالادستی، امکان دریافت بودجه و محقق ساختن اهداف خود را نخواهند داشت و این در حالی است که برخی از سازمان‌های حوزه دین سعی بر استقلال خود از بودجه کشوری دارند، اما به اذعان کارشناسان،<sup>۳</sup> برخی از قوانین یا سازوکارها مانع از این امر می‌شود. برای مثال، طبق ماده (۳۹) قانون محاسبات عمومی کشور،<sup>۴</sup> تنها در صورتی امکان اختصاص درآمد به شرکت‌های دولتی وجود دارد که در اساسنامه آنها ذکر شده باشد و این در حالی است که برخی از سازمان‌های مزبور اساسنامه قانونی ندارند. نمونه دیگر ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی است<sup>۵</sup> که تأیید منابع خارجی کمک‌کننده به سازمان‌های غیردولتی بر عهده مراجع نظارتی مربوطه و نظرخواهی از وزارتخانه‌های اطلاعات، امور خارجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است که این سازوکار به دلایل متعددی همچون عدم ثبات فضای مدیریتی این مراجع و شفاف نبودن شاخص‌های تخصیص بودجه به سازمان‌های دینی و تبلیغی [۲۷] به امکان بهره‌مندی از منابع خارجی در این سازمان‌ها منجر نمی‌شود.

اضافه آنکه به اذعان کارشناسان،<sup>۶</sup> این وابستگی بودجه‌ای از دلایل عدم توفیق بهره‌مندی از ظرفیت بزرگ وقف در سازمان‌های دینی شده است. پیوند خوردن نام سازمان‌های دینی با امور دینی و به دنبال آن شناخته شدن آنها در کنار جریان‌های سیاسی از دیگر آفات چنین وابستگی‌هایی است، چرا که اگر به‌طور مثال سازمان‌های وابسته به نظام در تحقق اهداف خود در عرصه‌هایی غیر از فرهنگ، عملکرد غیر قابل قبولی داشته باشند، افکار عمومی را پیرامون امور دینی تحت تأثیر قرار خواهند داد. برای نمونه اگر ستاد امر به معروف و نهی از منکر به دلیل عملکرد ضعیف خود، نتواند وجهه مطلوبی در افکار عمومی کسب نماید، اصل فریضه امر به معروف و نهی از منکر در اذهان مردم خدشه‌دار خواهد شد [۳۳]. برخی دیگر از صاحب‌نظران رویکردی میانه را در پیش گرفته‌اند. این رویکرد هرگونه دخالت و برنامه‌ریزی پیشین در حوزه نظام‌های ارزشی و اعتقادی در فرهنگ را مذموم شمرده، ولی در عین حال برنامه‌ریزی برای تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی را عقلانی و موجه می‌داند [۲۴].

در نتیجه نوع خاصی از وابستگی سازمان‌های دینی و تبلیغی را قابل قبول می‌پندارد.

بنابراین، می‌توان چنین گفت که در میان فعالان و سیاستگذاران اتفاق نظری کلی بر روی نوع و میزان وابستگی سازمان‌های دینی به دولت - به معنای عام آن - وجود ندارد و این مسئله از علل چندپارگی اقدامات و ناپایداری سیاست‌ها در طول زمان است.<sup>۷</sup>

## ۳-۲. چالش‌های سیاستی خاص هر کدام از سازمان‌های حوزه دین

علاوه بر آسیب‌های فضای کلی سیاستگذاری در حوزه دین در کشور، سازمان‌های فعال در عرصه دین، هر کدام با مشکلاتی مواجه هستند. بخشی از این مشکلات ناشی از درون سازمان‌هاست و برخی دیگر چالش‌هایی است که سازمان‌ها در فضای بیرون از خود با آنها روبه‌رو بوده‌اند. در جدول زیر، چالش‌های مربوط به هر کدام از سازمان‌ها حوزه دین که در مصاحبه با ذی‌ربطان این سازمان‌ها به دست آمده‌اند، آورده شده است:

۱. الایطاع یادن الله: (۲) مرکز اطاعت، دین است؛ این یعنی تشکیل نظام اسلامی؛ این جزء اهداف دین است؛ هدف میانی است. هر کدام از این اهداف را که شما نگاه کنید، وسیله و ابزار رسیدن به آن، تبلیغ است».

۲. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۲/۱۷۱، ۱۶۲۰-۸۲، ص ۲.

۳. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای جلسه کارشناسی پیرامون بودجه سازمان‌های دینی و تبلیغی در مرکز پژوهش‌های مجلس. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۳۶/۱۴۳۶-۸۲، ص ۲.

۴. ماده (۳۹) - وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه کل کشور وصول می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌گردد، تحویل شود. خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بتوانند در حدود بودجه مصوب از وجوه خود استفاده نمایند.

تبصره - در مورد شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آنها به بخش غیردولتی (خصوصی و تعاونی) متعلق باشد در صورتی که اساسنامه آنها با هر یک از مواد این قانون مغایر باشد، با موافقت صاحبان سهام مذکور قابل اجرا می‌باشد و در غیر این صورت مواد این قانون نسبت به سهام مربوط به بخش دولتی لازم الاجراست.

۵. ماده (۶) - هزینه‌های سازمان از منابع زیر تأمین می‌شود:

الف) هدیه، اعانه و هبه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی و دولتی و غیردولتی. ب) وقف و حبس. پ) وجوه حاصل از فعالیت‌های انجام شده در چارچوب موضوع فعالیت، اهداف و اساسنامه سازمان و این آیین‌نامه. ت) حق عضویت در سازمان.

تبصره «۱» - سازمان موظف است پیش از دریافت کمک از منابع خارجی، مشخصات منبع کمک‌کننده، میزان کمک و چگونگی آن را به صورت مشروح بر حسب مورد به مراجع نظارتی مربوط اعلام نماید. مراجع مذکور موظفند ظرف حداکثر یک هفته از تاریخ وصول اعلام یاد شده، نسبت به نظرخواهی از وزارتخانه‌های اطلاعات و امور خارجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند. موافقت دستگاه‌های یاد شده ضروری است و این دستگاه‌ها موظف به اظهار نظر ظرف حداکثر یک ماه از تاریخ وصول اعلام می‌باشند. عدم ارائه پاسخ ظرف این مدت به منزله نظر موافق است.

تبصره «۲» - دریافت کمک از جامع رسمی بین‌المللی و منطقه‌ای و آژانس‌های وابسته به سازمان ملل، نیاز به دریافت مجوز ندارد. فهرست سازمان‌های یاد شده توسط وزارت امور خارجه تهیه می‌شود و در اختیار هیئت نظارت قرار می‌گیرد.

۷. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۲/۱۷۱، ۱۶۲۰-۸۲، ص ۲.



#### جدول ۴. جدول آسیب‌ها و چالش‌های سازمان‌های عرصه دین و تبلیغ

نام سازمان	آسیب‌ها / چالش‌هایی که سازمان با آنها روبه‌رو هستند
مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام	<p>۱. خطر کاهش کیفیت برنامه‌ها به واسطه کم بودن اعتبارات و افزایش هزینه‌های سرمایه انسانی [۲۷]</p> <p>۲. تغییرات غیرمنتظره قیمت ارز و تأثیر آن در فعالیت‌های بین‌المللی سازمان**</p> <p>۳. فقدان نگاه تخصصی به وظایف سازمان‌های فرهنگی عرصه بین‌الملل*</p> <p>۴. جای خالی راهبردها و سیاست‌های کلی در عرصه بین‌الملل*</p> <p>۵. موازی‌کاری در فعالیت‌های بین‌الملل دینی و تبلیغی و شفاف نبودن تقسیم وظایف سازمان‌های بین‌المللی*</p>
سازمان اوقاف و امور خیریه	<p>۱. ساختار نامتناسب جهت مولدسازی به واسطه تمرکزگرایی و ساختار عریض و طویل [۳۴]</p> <p>۲. فقدان تخصص‌گرایی با وجود طیف وسیع کاربری موقوفات*</p> <p>۳. محدودیت نقدینگی و لزوم به‌کارگیری شیوه‌های تأمین مالی کارا [۳۴]</p> <p>۴. بی‌توجهی به ماهیت اقتصادی اوقاف و صرفاً فرهنگی دیدن آن؛ این امر سبب شده است تا اوقاف ذیل وزارت فرهنگ و ارشاد و همچنین کمیسیون فرهنگی دیده شود، درحالی‌که وقف ماهیتاً فعالیتی اقتصادی است که ریشه‌هایی دینی و فرهنگی دارد.*</p> <p>۵. ضعف انگیزه سرمایه انسانی [۳۵]</p> <p>۶. ضعف نقش‌آفرینی در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی به صورت فعال [۳۵]</p> <p>۷. تصویر نامطلوب از سازمان نزد افکار عمومی [۳۶]</p>
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	<p>۱. عدم تعیین وضعیت حقوقی [۳۷]</p> <p>۲. عدم ثبات مدیریتی در سطوح بالای مدیریت سازمان [۳۷]</p> <p>۳. ضعف در به‌کارگیری دانش و مهارت‌های مدیریتی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، هدایت و نظارت [۳۷]</p> <p>۴. فقدان مدیریت و برنامه راهبردی برای فعالیت‌های فرهنگی- تبلیغی در خارج کشور مطابق با رسالت جهانی انقلاب اسلامی*</p> <p>۵. وابستگی بودجه‌ای به دولت و فقدان پیوست اقتصادی برای فعالیت‌های فرهنگی*</p> <p>۶. وابستگی ساختاری به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در عین تعیین شورای آن از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): درواقع این سازمان از جهت ساختاری ذیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، اما شورای آن را مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تعیین می‌کنند و این امر سبب پراکندگی مدیریت شده است [۳۷]</p> <p>۷. توسعه نیافتگی ظرفیت‌های فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران متناسب با ضرورت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای جدید در عرصه بین‌الملل، جهان اسلام و منطقه [۳۷]</p> <p>۸. بی‌توجهی به ماهیت سازمان (یعنی امور بین‌الملل) و وابستگی آن به سازمان‌های غیرمرتبط (یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)*</p>
سازمان تبلیغات اسلامی	<p>۱. ابهام و کلی بودن وظایف سازمان؛ این امر موجب شده است که در طول چند دهه فعالیت این سازمان، مدیران فعالیت‌های متنوع و گسترده‌ای داشته باشند و هرکدام متناسب با خوانش خود از وظایف، اقدامات سازمان را جهت‌دهی کنند.*</p> <p>۲. دوگانه «انقلابی بودن» و «مؤسسه عمومی غیردولتی بودن» سازمان تبلیغات اسلامی [۳۸]</p> <p>۳. هم‌پوشانی فعالیت‌های سازمان با دیگر سازمان‌های عرصه دین و تبلیغ*</p> <p>۴. ورود به ساخت عمل و تصدیگری در فرهنگ دینی به جای ساماندهی و تنظیم‌گری*</p> <p>۵. ساختار عریض و طویل سازمان*</p> <p>۶. عدم توفیق در جذب نخبگان حوزوی [۳۸]</p> <p>۷. دولتی شدن تبلیغات دینی و به‌دنبال آن کارمندی شدن فضای تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی، مردمی نبودن اقدامات، درگیر روزمره شدن و فاصله گرفتن از حل مسائل واقعی جامعه*</p> <p>۸. فقدان ضمانت اجرایی قانون‌ها و آیین‌نامه‌های حوزه فرهنگ و تبلیغ*</p> <p>۹. فقدان نظارت درست و کیفی متناسب با الزامات حوزه فرهنگ و تبلیغ [۳۸] [۲۷]</p>
مجمع تقریب مذاهب اسلامی	<p>۱. کیفی بودن فعالیت‌های فرهنگی و کپی بودن انتظارات سازمان‌های ناظر [۲۷]</p> <p>۲. سهم بالای اعتبارات مرتبط با حقوق و دستمزد در کل اعتبارات تخصیصی (درحالی‌که کشور به لحاظ شرایط اقتصادی در مضیقه قرار دارد و از طرف دیگر عرصه فرهنگ نیز به نیروی انسانی خلاق نیازمند است).*</p> <p>۳. وابستگی فعالیت‌های بین‌المللی به ارز و تغییرات نابسامان بازار ارز در کشور*</p> <p>۴. بودجه‌ریزی غیرعملیاتی از سوی سازمان‌های بالادستی*</p> <p>۵. ممانعت نهادهای بالادستی از ایجاد راهکارهای درآمدی اختصاصی و خروج از وابستگی به دولت*</p> <p>۶. تغییرات مکرر مدیران در سازمان‌های بالادستی و ناظر (مثل سازمان برنامه و بودجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)*</p> <p>۷. ابهام ماهیت حقوقی سازمان*</p> <p>۸. هم‌پوشانی فعالیت‌های فرهنگی بین‌الملل و عدم تقسیم وظایف شفاف از سوی سازمان‌های سیاستگذار*</p> <p>۹. خلأ استراتژی فرهنگی در عرصه بین‌الملل*</p>
سازمان حج و زیارت	<p>۱. ابهام ماهیت حقوقی سازمان / نداشتن اساسنامه [۳۹]</p> <p>۲. نداشتن قانون تشکیلات و اختیارات مستقل؛ تنها مواد (۵۲ تا ۷۱) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (یعنی شکل قبلی سازمان) موجود است. [۳۹]</p> <p>۳. ورود مسئولین بالادستی به مسائل فراتر از اختیارات؛ مطابق با ماده (۳) مصوبه شورای عالی اداری، امور فرهنگی، تبلیغی و سیاسی حج از اختیارات حوزه نمایندگی ولی فقیه است ولی فعالیت آنها در همه عملیات حج و زیارت از جمله امور پشتیبانی و برنامه‌ریزی مشهود است. [۳۹]</p> <p>۴. نامتناسب بودن جایگاه و تشکیلات سازمان با وجود یکسان بودن ماهیت فعالیت‌های اجرایی آن با حوزه گردشگری [۳۹]</p>

\*\* نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای جلسه کارشناسی پیرامون بودجه سازمان‌های دینی و تبلیغی در مرکز پژوهش‌های مجلس. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۳۳۶/۱۶۲۰۰-۸۲، ص ۲.

\*\* نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرنگاران دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۴۱۷۱/۱۶۲۰۰-۸۲، ص ۲.

۱. مصوبه ۱۳۷۰/۸/۱۵ شورای عالی اداری: «ماده (۳)- امور فرهنگی، تبلیغی و سیاسی حج و آنچه مربوط به آن است مانند انتخاب روحانیون و آموزش و امثال آن از اختیارات حوزه نمایندگی ولی فقیه خواهد بود».

نام سازمان	آسیب‌ها / چالش‌هایی که سازمان با آنها روبه‌رو هستند
دفتر تبلیغات اسلامی	۱. کمبود بودجه جهت اعزام مبلغ و توسعه خدمات مشاوره و آموزش [۲۷] ۲. غلبه نگاه تصدیگری به عرصه دین و فرهنگ* ۳. هم‌پوشانی فعالیت‌های سازمان با دیگر سازمان‌های مشابه و فقدان هماهنگی و فعالیت مشترک میان این سازمان‌ها* ۴. غیرشفاف بودن ارزیابی سازمان‌های دینی و تبلیغی* ۵. بحران کارمند شدن مبلغان* ۶. رسمیت (بروکراسی) نسبتاً زیاد در عین پیچیدگی نسبتاً کم ساختار سازمانی [۴۰]
ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد	۱. ضعف نظام آماری و ارزیابی عملکرد کانون‌ها [۴۱] ۲. فاصله گرفتن از ماهیت مردمی و وابستگی روزافزون به منابع دولتی [۴۱] ۳. بی‌توجهی به روش‌های تأمین مالی مصوب در اساسنامه [۴۱]
ستاد اقامه نماز	۱. کم‌توجهی به تغییرات الگوهای دین‌داری و ارائه الگوهای تبلیغی متناسب با آن* ۲. ضعف در پژوهش‌های آسیب‌شناسانه* ۳. موازی‌کاری و هم‌پوشانی فعالیت‌های سازمان با دیگر سازمان‌های فرهنگی** ۴. عدم توفیق در جذب مخاطبان جوان‌تر* [۴۲] ۵. خلأ سازوکار شفاف و مناسب جهت ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی** ۶. فقدان سامانه‌های آماری و یکپارچه در حوزه دین و تبلیغ [۴۳] ۷. فاصله گرفتن از نقش ستادی و ورود به مسائل جزئی و اجرایی [۴۳]
سازمان دارالقرآن کریم	۱. رشد فضای مجازی و کم‌رونق شدن جلسات حضوری / خانگی قرآنی* ۲. بی‌توجهی / بی‌میلی سازمان‌های دولتی در واگذاری / همکاری نظام‌مند با سازمان در فعالیت‌های قرآنی* ۳. دخالت / موازی‌کاری سازمان‌های متعدد در امور مرتبط با وظایف سازمان* ۴. بی‌اعتمادی نهادهای دولتی متولی دین و تبلیغ به نهادهای مردمی* ۵. توانمندی نه‌چندان بالای مدیریتی سازمان [۴۴]
ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش	۱. ابهام در ماهیت حقوقی ستاد ۲. ضعف نظام آماری مرتبط با وضعیت طلاب و حوزه علمیه** ۳. ناهماهنگی میان رویکردهای وزارت آموزش و پرورش و ستاد* ۴. کمبود ظرفیت آموزش طلاب، متناسب با استانداردهای وزارتخانه به‌ویژه در شهرستان‌ها و استان‌های محروم* ۵. تحقق نیافتن توافق‌نامه سازمان و وزارتخانه*
ستاد امر به معروف و نهی از منکر	۱. ابهام یا کلی بودن وظایف محوله [۳۳] ۲. ناهمخوانی وظایف محوله با اختیارات سازمان [۳۳] ۳. ابهام در ماهیت حقوقی سازمان [۳۳] ۴. ورود به عرصه اجرا و نه سیاستگذاری [۳۲] ۵. چالش مواجهه با افکار عمومی [۳۳]
حوزه‌های علمیه و روحانیت	۱. ضعف ساختاری، نهادی و مدیریت در حوزه [۴۵] ۲. خروج سیاستگذاری فرهنگی-دینی از اختیار حوزه‌های علمیه [۴۵] ۳. ضعف حوزه در انطباق با برخی مسائل و مقتضیات زمان [۴۵] ۴. ضعف استقلال سیاسی و مدیریتی حوزه از دولت [۴۵] ۵. تنزل اولویت تبلیغ نزد طلاب در نسبت با مسائل تحقیقی و علمی* ۶. ضعف در بهره‌گیری از علم ارتباطات و ابزارهای آن [۴۶] ۷. افزایش موقعیت مداحان و تحت شعاع قرار گرفتن جایگاه روحانیت در عرصه وعظ و خطابه [۴۵]

\*. نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای مصاحبه حضوری با خبرگان دستگاهی. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۰۲، ۱۲/۱۲/۱۴۰۰، ۱۶۲-۸۲، ص ۲.

2. <https://www.namaz.ir/?p=138553>

\*\* نامه دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ برای جلسه کارشناسی پیرامون بودجه سازمان‌های دینی و تبلیغی در مرکز پژوهش‌های مجلس. مخاطب نامه: سازمان‌های حوزه دین و تبلیغ، ۱۴۳۳۶/۱۴۳۳۶-۱۶۲-۸۲، ص ۲.

4. <https://www.namaz.ir/?p=137641>

5. <https://telavat.ir/?p=58731>

6. <https://telavat.ir/?p=49056>

7. <https://telavat.ir/?p=49056>

8. <https://telavat.ir/?p=49056>

۹. ن.ک: مسجد یکی از بهترین موقعیت‌های تربیتی است ([hamkariha.ir](http://hamkariha.ir)) و تشکیل شبکه‌ای از ستاد تا استان و شهر ضرورت دارد ([hamkariha.ir](http://hamkariha.ir)).

۱۰. آموزش و پرورش پایه و اساس تمام مسئولیت‌های کشور است ([hamkariha.ir](http://hamkariha.ir)).

11. [B2n.ir/e13351](https://B2n.ir/e13351)

۱۲. ن.ک. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱: «امروز نگاه رایج در حوزه‌های علمیه این است که تبلیغ در مرتبه دوم قرار دارد. مرتبه اول چیزهای دیگر است [مانند] مقامات علمی و امثال اینها؛ «تبلیغ» در مرتبه دوم است. ما از این نگاه باید عبور کنیم. تبلیغ، مرتبه اول است».



نگاهی به مسائل و مشکلات سازمان‌های حوزه دین نشان از چند معضل پرتکرار دارد:

**الف) موازی کاری و تقسیم وظایف ناکارآمد:** خلأ قرارگاه مرکزی در امور حوزه دین که پیش‌تر به آن اشاره شد، منجر به موازی کاری و تقسیم وظایف به گونه‌ای نابهینه و غیر اثربخش شده است. البته که برخی از سازمان‌ها از تعدد نهادهای بالادستی و انتظارات آنها رنج می‌برند. **ب) ابهام ماهیت حقوقی سازمان‌ها:** ماهیت حقوقی بسیاری از سازمان‌های دینی مشخص نیست. ساختار برخی از آنها به گونه‌ای است که از نظر بودجه‌ای ذیل قوه مجریه‌اند؛ اما برنامه‌ها و تکالیف آنها توسط نهاد دیگری همچون شورای عالی حوزه‌های علمیه یا شورای تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ابلاغ و تعیین می‌شود. به عبارت دیگر نوع این سازمان‌ها (مؤسسه و شرکت یا دولتی و غیر دولتی بودن آنها) مشخص نگردیده است و حتی برخی از آنها فاقد اساسنامه مصوب مراجع ذیصلاحند.

**ج) فقدان نظارت و ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های شفاف و کارآمد و متناسب با حوزه دین:** سازمان‌های نظارتی از جمله سازمان برنامه و بودجه کشور، شاخص‌های شفافی در سنجش عملکرد سازمان‌های فرهنگی به‌ویژه فعالان عرصه دین تدوین و ارائه نکرده است و با این سازمان‌ها همچون دیگر سازمان‌ها و مانند سازمان‌های صنعتی برخورد می‌شود. دیگر آنکه نحوه تعیین بودجه سالانه و ارزیابی عملکرد این سازمان‌ها شفاف و مبتنی بر شاخص‌های از پیش تعیین شده‌ای نیست.

### ۳. ترسیم وضع مطلوب براساس اسناد بالادستی

پس از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران، توجه به فرهنگ دینی در دستور کار قرار گرفت [۱۳] و اسناد متعددی پیرامون آن نوشته شد. بعد از تأکیدهای فراوان امام خمینی (ره) به مقوله فرهنگ<sup>۱</sup> و تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۴، در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ «اصول سیاست فرهنگی کشور» توسط آن شورا تهیه و تصویب شد. در ادامه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) وظیفه خطیر مهندسی فرهنگی کشور را به این شورا سپردند<sup>۲</sup> تا اینکه در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ «نقشه مهندسی فرهنگی کشور» به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و توسط این شورا ابلاغ شد.

ضرورتاً جهت ترسیم وضع مطلوب سیاستگذاری حوزه دین در جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای کارکرد اجتماعی نهاد دین، اسناد مذکور یعنی «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، «اصول سیاست فرهنگی کشور» و «نقشه مهندسی فرهنگی» مورد بررسی قرار گرفته و در کنار بیانات امامین انقلاب، ویژگی‌های وضع مطلوب از دل آنها احصا شده‌اند که عبارتند از:

#### ۳-۱. محوریت دین در تمامی مراحل سیاستگذاری

در جای‌جای اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، محوریت دین نمایان است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد» [۴۷]. این امر به‌ویژه در اصول دوم<sup>۳</sup> و چهارم<sup>۴</sup> به‌خوبی قابل مشاهده است. نه تنها ریشه و مبنای تصمیم‌گیری در سیاستگذاری فرهنگی مطلوب، دینی است بلکه غایت آن نیز همان‌طور که در اصول سیاست فرهنگی<sup>۵</sup> و نقشه مهندسی فرهنگی<sup>۶</sup> آمده است،

۱. ن. ک. فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲۳ و فرمان تشکیل شورای انقلاب فرهنگی.
۲. «ما سال گذشته این‌جا عرض کردیم «مهندسی فرهنگی کشور» به عهده شماست. گفتیم این‌جا «قرارگاه اصلی» است». بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳.
۳. اصل دوم قانون اساسی: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:
  ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
  ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
  ۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
  ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح.
  ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.
  ۶. کرامت و ارزش‌والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:
    - الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،
    - ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.
    - ج) نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.
    ۴. اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.
    ۵. بند «۵» اهداف اصول سیاست فرهنگی کشور: «تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزش‌های مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب».
    ۶. بند «۲» اصول نقشه مهندسی فرهنگی: «مؤلفه‌های فرهنگی اسلامی باید بر همه شئون و مناسبات جامعه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، قضایی و امنیتی حاکم شود».

معطوف به ارزش‌های اسلامی است. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که دین در تمامی سطوح و مراحل سیاستگذاری از جمله مبانی، شناخت مسئله، عوامل مؤثر، عوامل هدایت و تحدید سیاست‌ها، تحدید اهداف، سیاست‌ها، ابزار و روش، وزن‌دهی و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها محوریت دارد [۴۸].

### ۲-۳. نقش بنیادین مردم در امور فرهنگی و دینی

مردمی بودن از مهم‌ترین شعارهای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید. مردم در امور فرهنگی، پدیدآورنده و حافظ فرهنگ بشری شناخته شده‌اند [۸] و سند اصول سیاست فرهنگی کشور، دولت‌ها و سازمان‌های رسمی را موظف ساخته تا با جریان‌های مردمی و فرهنگ مردم همراه شوند.<sup>۱</sup> در این نگاه اعتماد به مردم و داشتن حسن ظن به آنها ضروری می‌نماید،<sup>۲</sup> چراکه هدف از سیاستگذاری فرهنگی «گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی و همچنین حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به‌منظور همگانی شدن و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت»<sup>۳</sup> است و انقلاب اسلامی سعی دارد مشارکت مردم را به اوج برساند.<sup>۴</sup> [۴۹]. بنابراین، «نظام فرهنگی کارآمد، نظامی است که در اهداف، ساختارها، فرایندها، وظایف و مأموریت‌های نهاد‌های مردمی، عمومی و دولتی با رویکرد ایجاد انسجام، هم‌افزایی، ارتقای کارآمدی و محوریت مشارکت مردمی و بهره‌مندی از نهاد‌های اصیل دینی باشد» [۲۶].

### ۳-۳. به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و لزوم بر خورداری از سعه‌صدر در برابر اشتباهات

«تنوع و تفاوت‌های فرهنگی اقوام ایرانی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب فرهنگ اسلامی-ایرانی، امری طبیعی و پذیرفته شده است»<sup>۵</sup>؛ و از شروط لاینفک زندگی اجتماعی است [۵۰]. همه انسان‌ها برابرند<sup>۶</sup> و در جمهوری اسلامی ایران هیچ‌کس نمی‌تواند رأی خود را بر دیگری تحمیل کند<sup>۷</sup> و از وظایف اصلی نظام، «پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی» است.<sup>۸</sup> صاحب‌نظران بر این باورند که با توجه به خصلت ذاتی فرهنگ و تفاوت‌هایی که در آن وجود دارد، سعی بر همگن‌سازی فرهنگ و تأکید بر یک شیوه زیست فرهنگی آسیب‌زاست [۱۹]. از این‌رو همان‌گونه که در اصول سیاست فرهنگی کشور آمده است، لازم است به «مراتب خصائل انسانی توجه شود و آنان را به‌طور مطلق خوب یا بد ندانند».<sup>۹</sup> به بیان دیگر، از آنجاکه «رسالت جمهوری اسلامی ایران رسالتی فرهنگی است که با تعامل و تبادل فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها تحقق می‌یابد»<sup>۱۰</sup>، مطلوب است که انواع شیوه‌های مقبول دین‌داری که از اصول کلی مورد پذیرش دین و قانون تبعیت می‌کنند، حمایت همه‌جانبه شود تا منجر به شکل‌گیری احساس نارضایتی و تبعیض در جامعه مخاطبان و دین‌داران نشود. قابل توجه است که از ملزومات غیرقابل انکار، به رسمیت شناختن سطوح مختلف دین‌داری، سعه‌صدر<sup>۱۱</sup> و «ایجاد مصونیت برای افراد جامعه و اهتمام به جاذبه و رحمت و جامع‌نگری و دوراندیشی و شور و مشورت و پرهیز از خشونت و شتاب‌زدگی و یکسوی‌نگری و استبداد رأی» است.<sup>۱۲</sup>

### ۴-۳. در نظر گرفتن اولویت‌های فرهنگی متناسب با شرایط جامعه

نیازسنجی فرهنگی از مهم‌ترین ملزومات سیاستگذاری معطوف به مسئله است. نیازسنجی باید بر مبنای واقعیات موجود، دردها، آلام عینی و ضرورت‌ها و حساسیت‌ها صورت پذیرد [۵۱]. «جامعه رشید جامعه‌ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت

۱. مبانی اصول سیاست فرهنگی کشور: «در طول تاریخ بشری هر گاه دولت‌ها و سازمان‌های رسمی از مسیر فرهنگی مردم جدا افتاده و برای خویش سیر و سیاستی دیگر اعم از غیر مردمی و ضد مردم داشته‌اند، به‌خصوص هر گاه مردم به‌دلایل متعدد جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، روحی و نظایر آن از تشکل و تعامل فرهنگی دور و پراکنده شده‌اند، فرهنگ لاجرم سیلان و جریان مطلوب و کمال یافته خویش را کم‌وبیش از دست داده و چه بسا به انقطاع و گسیختگی مبتلا شده است».

۲. بند «۱۸» منبها اصول سیاست فرهنگی کشور: «پرهیز از داشتن سوءظن به مردم و تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان».

۳. بند «۱۹» اصول از سند «اصول سیاست فرهنگی کشور».

۴. «تالنا: انقلاب اسلامی» مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ص ۶.

۵. بند «۱۸» فصل دوم، نقشه مهندسی فرهنگی.

۶. مبانی اصول سیاست فرهنگی کشور.

۷. همان.

۸. بند «۹» اصول، اصول سیاست فرهنگی کشور.

۹. بند «۱۳» سیاست فرهنگی، اصول فرهنگی کشور.

۱۰. بند «۱۸» فصل دوم، نقشه مهندسی فرهنگی کشور.

۱۱. بند «۵» منبها اصول سیاست فرهنگی کشور: «پرهیز از گرایش به راه‌حل‌های شتاب‌زده و خشونت‌آمیز در مورد مشکلات اجتماعی و معضلاتی که نیازمند به تحقق و تدبیر است».

۱۲. بند «۲۰» اصول، اصول سیاست فرهنگی کشور.



اجتماعی بازشناخته و قدرت پاسخ‌گویی به این نیازها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد. شرط لازم برای تحقق چنین مطلوبی آن است که در هر کشور زمام‌داران بتوانند به‌منظور همراهی با جریان عظیم، عمیق و اصیل فرهنگ در جامعه و حداکثر بهره‌گیری از دریای لایزال اراده و ایمان معنوی و الهی مردم، به‌طور هماهنگ و هم‌سو سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و مهم محورهای لازم برای این حرکت را تعیین کنند.<sup>۱</sup> بنابراین توجه به امور و ارزش‌های ملی<sup>۲</sup> و دینی در فرایند سیاستگذاری ضروری است، به‌گونه‌ای که ارزش‌های مطلوب و تربیتی دینی و اجتماعی،<sup>۳</sup> براساس اهداف مرحله‌ای و با توجه به اقتضات و شرایط زمان و مکان، در فرایندهای هدفمند تحقق یابد.<sup>۴</sup>

### ۳-۵. اهمیت دادن به خلاقیت‌های فرهنگی

فرهنگ، عرصه بروز خلاقیت‌های مردم است [۲] و از وظایف حکومت دینی «به کمال رساندن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعالیت در آوردن استعدادها و خداداده»<sup>۵</sup> است. از این جهت «بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و حمایت از ابتکارات و ابداعات»<sup>۶</sup> در کنار «تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی افکار»<sup>۷</sup> و «توجه به خلاقیت‌های اصیل» [۸] و «استقلال فرهنگی و آزادی مسئولانه»<sup>۸</sup> از جمله وظایف حاکمیت است.

### ۳-۶. ضرورت سالم‌سازی محیط

«انسان از فطرت الهی برخوردار است که ریشه و منشأ رشد و خیر و صلاح اوست».<sup>۹</sup> این بدان معناست که اگر شرایط نامساعد و محیط فاسد آنها را منحرف نکند، فطرتاً گرایش به ارزش‌های خیر و دینی دارند. لذا به دلیل تأثیرپذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و آفات و موانع فرهنگی آن، نظام اسلامی مسئولیت سالم‌سازی محیط را به عهده دارد.<sup>۱۰</sup> از این رو، فریضه دینی-اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر به‌مثابه ساز و کار اجتماعی اصلاح همه امور، بسیار جدی است<sup>۱۱</sup> و گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی برای همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر<sup>۱۲</sup> واجب است. اگرچه این سالم‌سازی لزوماً به معنای برخورد صرفاً قهری یا خشونت‌آمیز نیست،<sup>۱۳</sup> بلکه بخش مهمی از آن، از طریق آموزش صورت می‌پذیرد.

### ۳-۷. اصالت ارزش‌ها و نه شخصیت‌ها / پرهیز از تفسیر به رأی

ارزش‌ها که به‌مثابه ساختار فرهنگی کشور و برخاسته از سنت اسلامی<sup>۱۴</sup> و تاریخ ایران هستند،<sup>۱۵</sup> نباید تحت هیچ شرایطی تحت الشعاع نظرات شخصی افراد واقع شوند.<sup>۱۶</sup> اصول و فرایندهای سیاستگذاری به‌نحوی لازم است تدوین شوند که اولاً افراد نتوانند کار خود را ملاک خوب و بد بدانند<sup>۱۷</sup> و قوانین را بنای بر رأی خود تفسیر کنند و ثانیاً باید افرادی که بی‌توجه به ارزش‌ها و قوانین دینی و مبتنی بر تفسیر نادرست خود از قوانین عمل کرده‌اند، بازخواست شوند.<sup>۱۸</sup>

۱. مقدمه اصول سیاست فرهنگی کشور.
۲. بند «۱۹» منبهای اصول سیاست فرهنگ کشور: «غفلت از امور و ارزش‌های ملی».
۳. بند «۱۰» منبهای اصول سیاست فرهنگی کشور: «پرهیز از اعدام توجه به نقش عوامل و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی در اصلاح جامعه و اکتفا کردن به وعظ و نصیحت در هدایت و تربیتی دینی و اجتماعی».
۴. بند «۱۰» اصول نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «اصل تدریج؛ ارزش‌های مطلوب فرهنگی باید براساس اهداف مرحله‌ای و با توجه به اقتضات و شرایط زمان و مکان در فرایندهای هدفمند تحقق یابد».
۵. بند «۳» اهداف، اصول سیاست فرهنگی کشور.
۶. بند «۸» اصول، اصول سیاست فرهنگی کشور.
۷. بند «۱۱» اصول، اصول سیاست فرهنگی کشور.
۸. بند «۲،۳» فصل سوم، نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
۹. مبانی اصول سیاست فرهنگی کشور: «برخورداری انسان از فطرت الهی که ریشه و منشأ رشد و خیر و صلاح اوست».
۱۰. مقدمه اصول سیاست فرهنگی کشور و بند «۱۹» فصل دوم نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «۱۹»- نظام جمهوری اسلامی ایران وظیفه حفظ و صیانت از مرزهای فرهنگی و هویتی و ارتقای آن را عهده‌دار است».
۱۱. بند «۵،۱» ارزش‌ها، نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «ارزش امر به معروف و نهی از منکر به معنای دعوت و امر به نیکی و بازداشتن از بدی، به‌عنوان وظیفه همگانی در تمامی عرصه‌ها و سطوح اجتماعی».
۱۲. بند «۲۲» اصول، اصول سیاست فرهنگی کشور: «گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی برای دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت، موعظه حسنه، شرح صدر و جدال به آنچه احسن است».
۱۳. بند «۲۵» منبهای، اصول سیاست فرهنگی کشور: «پرهیز از اعدام اهتمام به تعاطی افکار و تبادل آرا و تمسک به روش‌ها غیر منطقی در برخورد با افکار دیگران و ترجیح راه‌حل‌ها و برخوردی سلبی در موارد غیر ضروری».
۱۴. ر.ک. بخش ارزش‌ها در نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
۱۵. مقدمه نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «فرهنگ اسلامی در هر جامعه و کشوری با حفظ ماهیت و اصالت الهی و جهان‌شمول خویش، شکل و صورتی متناسب با مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، زبانی و ... به‌خود می‌گیرد. فرهنگ اسلامی- ایرانی همان فرهنگ متعالی اسلامی است که در روح و کالبد فرهنگ ایران زمین دمیده شده و متناسب با تاریخ، جغرافیا، مذهب، زبان و ... در طی ۱۴ قرن گذشته توسعه و تکامل یافته است».
۱۶. بند «۱۳» منبهای، اصول سیاست فرهنگی کشور: «تحت الشعاع قرار نگرفتن حق در مقابل شخصیت».
۱۷. بند «۲۲» منبهای، اصول سیاست فرهنگی کشور: «پرهیز از اکار خود را ملاک خوب و بد دانستن و قوانین را بنای بر رأی خود تفسیر و اجرا کردن و در مقابل کسی مسئول نبودن».
۱۸. بند «۲۶» منبهای، اصول سیاست فرهنگی کشور: «پرهیز از بازخواست نکردن از افرادی که قوانین را بنای بر رأی خود تفسیر و اجرای کنند».

### ۸-۳. پیروی نهادهای ذی ربط و مسئول از خط‌مشی‌ها و اصول واحد در کشور

با توجه به اصل هدایت و رهبری در نقشه مهندسی فرهنگی کشور<sup>۱</sup> و چشم‌انداز فرهنگی مندرج در آن سند،<sup>۲</sup> هدایت‌گری نظام فرهنگی کشور بر عهده سیاستگذاران کلان کشور است. در واقع تعیین اصول کلی فعالیت سازمان‌ها و نهادهای عرصه دین وظیفه خطیری بر عهده نظام سیاستگذاری فرهنگی کشور است؛ اما این هدایت‌گری کلی به معنای ورود به امور غیر ضروری نیست،<sup>۳</sup> بلکه دولت اسلامی «ضمن پرهیز از تصدیگری غیر ضرور،<sup>۴</sup> در هدایت، راهبری، نظارت و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی» نقش ایفا می‌کند.<sup>۵</sup>

### ۹-۳. توجه ویژه به آموزش و فراهم ساختن دسترسی آسان به محتوای فرهنگی - هنری

از مهم‌ترین موارد تأکید شده در اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور، توجه به مسئله آموزش و دسترسی فراگیر به محتوای فرهنگی است که به‌طور نمونه در بندهای «۷، ۹، ۱۰، ۱۱» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی در اصول سیاست فرهنگی کشور بیان شده‌اند. در این رویکرد تلاش اصلی بر «تبیین» و «شناساندن» ارزش‌های دینی و فرهنگی<sup>۶</sup> و فراهم ساختن بسترهای معرفی ارزش‌ها، از جمله ساختن مراکز پژوهشی،<sup>۱۱</sup> مؤسسات فرهنگی - هنری،<sup>۱۲</sup> کتابخانه‌ها<sup>۱۳</sup> و حمایت‌های مادی و معنوی از آنهاست.<sup>۱۴</sup>

### ۱۰-۳. لزوم توجه به اقتصاد فرهنگ

فعالیت‌های فرهنگی به‌ویژه در عرصه دین باید به‌گونه‌ای ساماندهی شوند که چرخه اقتصادی آنها بچرخد و نباید فراموش کرد که اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است و در مادیات و معنویات بشر اثر می‌گذارد و در نهایت وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.<sup>۱۵</sup> از سوی دیگر وابستگی شدید بخش فرهنگ به‌ویژه عرصه دین به نیروی انسانی خلاق، ضرورت توجه به اقتصاد فرهنگ را دوچندان می‌کند. علاوه بر «تعیین جایگاه مناسب برای بخش فرهنگ در نظام بودجه‌ریزی کشور و تخصیص اعتبارات به‌نحوی که ثبات مالی لازم برای برنامه‌ریزی درازمدت فراهم شود و فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی تابع تغییرات بودجه جاری کشور نباشد»،<sup>۱۶</sup> می‌توان به مواردی همچون استفاده از شیوه‌های تأمین مالی جدید،<sup>۱۷</sup> بهره‌گیری از فناوری‌های روز دنیا<sup>۱۸</sup> [۲۳] و مردمی کردن اقتصاد و متصدی نبودن دولت در آن،<sup>۱۹</sup> به‌عنوان مهم‌ترین راه‌حل‌های تقویت اقتصاد فرهنگ اشاره کرد.

۱. بند «۴» اصول، نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «۴». اصل هدایت و راهبری: دولت اسلامی باید ضمن پرهیز از تصدیگری غیر ضرور، نقش اساسی خود را در هدایت و راهبری، نظارت و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی تقویت نماید».
۲. فصل سوم نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «با توکل به خداوند متعال ... در افاق ۱۴۰۴: ایران کشوری است با هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی و پویای طریق جامعه مهدوی، پیش‌تاز در اخلاق و رفتار حسنه، دارای جایگاه نخست در عرصه‌های فرهنگ و هنر، تعلیم و تربیت، علم و فناوری و اطلاعات، ارتباطات و رسانه در سطح منطقه و جهان اسلام، الهام‌بخش امت اسلامی و مستضعفان با تعامل فرهنگی مؤثر و سازنده در سطح جهانی و دست‌یافته به نظام فراگیر، کارآمد و منسجم فرهنگی هدایت‌گر تمامی شئون و نظامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه».
۳. بند «۱۴» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، اصول سیاست فرهنگ کشور: «سازماندهی و بهره‌برداری مطلوب از امکانات و تأسیسات فرهنگی و هنری نهادهای دولتی غیر فرهنگی و جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها در امور غیر ضروری».
۴. بند «۱۲» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، اصول سیاست فرهنگی کشور: «تمرکز در سیاستگذاری، عدم تمرکز در امور اجرایی و هماهنگی تشکیلات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری».
۵. بند «۴» اصول، نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
۶. افزایش ظرفیت‌های مراکز فرهنگی با لحاظ کردن رشد جمعیت کشور».
۷. «کمک به تأمین مواد اولیه و تقویت صنایع تولید مواد و ملزومات فرهنگی و هنری».
۸. «سازماندهی بازار و ترویج محصولات فرهنگی و هنری و اصلاح شبکه‌های توزیع».
۹. «توجه به بازسازی، نوسازی، تجهیز و توسعه ظرفیت‌های تأسیسات و مراکز فرهنگی و هنری موجود و استفاده از تکنولوژی جدید و ارتباط جمعی و بهره‌برداری حداکثری از آن».
۱۰. ر.ک. راهبردهای کلان فرهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور از جمله راهبردهای ۱: «نهادینه‌سازی فرهنگی تمسک به قرآن و عترت و تبیین، ترویج، تقویت و ساماندهی شعائر الهی نمادها و آیین‌های اسلامی - ایرانی» و ۳: «تبیین، تشکیل و تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده» و راهبردها و اقدامات ذکر شده ذیل آن.
۱۱. بند «۲۷» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، اصول سیاست فرهنگی کشور: «ایجاد و تقویت مجتمع‌های پژوهشی و تحقیقات کاربردی در زمینه‌ها و بخش‌های مختلف فرهنگی».
۱۲. بند «۱۸» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، اصول سیاست فرهنگی کشور: «تأسیس مجتمع‌های فرهنگی، هنری، سینمایی و شبکه‌های توزیع و فروش زنجیره‌ای سراسر کشور به‌منظور عرضه سریع و ارزان محصولات و تولیدات فرهنگی و هنری».
۱۳. بند «۱۹» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، اصول سیاست فرهنگی کشور: «یجاد، تقویت و تجهیز کتابخانه‌های عمومی، سالن‌های سینما، تالارهای نمایش، نگارخانه‌ها، موزه‌های هنری به تناسب جمعیت».
۱۴. بند «۲۱» اولویت‌ها و سیاست‌های کلی، اصول سیاست فرهنگی کشور: «هدایت و ترویج و آموزش عمومی هنر و ادبیات به‌ویژه هنرهای سنتی ملی و اسلامی و برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات منطقه‌ای و سراسری با اختصاص جوایز و پاداش‌های مناسب».
۱۵. بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه سوم، ص ۱۰: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید».
۱۶. بند «۳۱» امکانات، اصول سیاست فرهنگی کشور.
۱۷. بند «۱۳» اصول، نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «اصل تأمین منابع و هدایت سرمایه: تأمین سرمایه‌های مادی و انسانی مورد نیاز برای حوزه فرهنگ و گسیل هدفمند این سرمایه‌ها در سایر حوزه‌ها باید با رویکرد فرهنگی صورت گیرد».
۱۸. بند «۱۰» فصل پنجم، نقشه مهندسی فرهنگی کشور: «توسعه صنایع و محصولات فرهنگی و هنری چندرسانه‌ای».
۱۹. ر.ک. بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه سوم، ص ۱۰-۱۱.



## ۴. الگوهای حکمرانی حوزه فرهنگ



### ۴-۱. الگوواره‌های نظری<sup>۱</sup> برنامه‌ریزی

سه الگوواره نظری کلی برای برنامه‌ریزی، اعم از فرهنگی و غیر فرهنگی وجود دارد [۳۰] که در هر کدام جایگاه فرهنگ متفاوت است. در ادامه توضیحاتی پیرامون ویژگی‌های این الگوواره نظری‌ها و شیوه‌های اداره فرهنگ بر خاسته از آنان ارائه خواهد شد.

#### ۴-۱-۱. الگوی اول؛ فرهنگ به مثابه ابزار برای سیاست

در این الگوواره نظری که به گفتمان‌های سوسیالیستی یا تصدیگری کامل دولت در فرهنگ تعلق دارد [۲]، دولت به مثابه قیّم مردم شناخته می‌شود و ابزار اصلی آن جهت اجرای سیاست‌ها «دیوان سالاری»<sup>۲</sup> و «نهادسازی» است. این سیاست‌ها که به شیوه بالا به پایین اجرا می‌شود [۲]، درصد شکل‌گیری دولت-ملت هستند و به همین دلیل سیاستگذاری در این الگو صیغه‌ای سیاسی دارد. در این الگوواره نظری، «ملی‌گرایی»<sup>۳</sup> مفهومی محوری است و فرهنگ به مثابه ابزار تقویت آن شناخته می‌شود [۳۰]. طبیعتاً دین نیز ابزار قدرت یافتن و تبدیل به ایدئولوژی این گونه حکومت‌ها خواهد شد [۲].

#### ۴-۱-۲. الگوی دوم؛ فرهنگ به مثابه ابزار بازار

در الگوواره نظری دوم که از گفتمان‌های مدیریت مکانیکی فرهنگ عدول کرده است، مسئله «بازار» محوریت دارد. در این الگوواره نظری، «دیوان سالاری» و «سازمان‌های مردم‌نهاد» دو ابزار اصلی اجرای سیاست‌ها به شمار می‌روند [۳۰] و برخلاف الگوواره نظری اول، از بالا به پایین اجرا نمی‌شوند [۴]، چرا که مردم جایگاه مشارکت‌کننده خواهند داشت. در این الگو، سیاستگذاری‌های فرهنگی با هدف رشد اقتصادی و توسعه صورت می‌پذیرند و فرهنگ ابزاری است جهت افزایش انگیزه مشارکت و بسیج ثروت [۳۰]. بنابراین مسئله سیاستگذاری در این الگوواره نظری سنخیتی اقتصادی خواهد داشت. از آنجا که در الگوی دوم تدین سکولار مطرح می‌شود [۲]، دین به خودی خود نسبتی با سیاستگذاری نخواهد داشت.

#### ۴-۱-۳. الگوی سوم؛ فرهنگ به مثابه غایت و نه ابزار

در الگوواره نظری سوم و متأخر، سنخ مسئله «فرهنگی» است. مردم به مثابه تصمیم‌گیرنده یا تعیین‌کننده اصلی سیاستگذاری به شمار می‌روند. در این الگوواره نظری، الگوهای سیاستگذاری از مدل‌های باز و شبکه‌ای پیروی می‌کنند و هدف از سیاستگذاری، دموکراسی و ایجاد فرهنگ گفتگو است و «رسانه‌ها» و «شبکه‌های اجتماعی» ابزارهای رسیدن به این اهداف خواهند بود [۳۰]. دال محوری این الگوواره نظری «سبک زندگی» است [۴]. در این رویکرد اگرچه به واسطه ریشه‌های پست‌مدرن آن، امکان جهت‌گیری به سمت دین واحد وجود ندارد و از پلورالیسم دینی حمایت می‌شود، اما دین به عنوان بخش مهمی از زندگی روزمره مردم شناخته و بر اهمیت آن تأکید می‌شود [۲].

### ۴-۲. راهی به سوی الگوی چهارم؛ هدایت‌گری فرهنگی (الگوی انتخابی)

با توجه به اقتضانات سه محور اصلی حکمرانی یعنی دولت، بازار و مردم و با نگاهی به ویژگی‌های سیاستگذاری مطلوب حاکمیت دینی در جمهوری اسلامی ایران، شاید بتوان الگوی چهارمی را در نظر گرفت که نه دچار انحصارگرایی دینی رویکردهای سوسیالیستی گردد، نه گرفتار دنیاگرایی و سکولاریسم پروتستانی الگوواره نظری دوم و نه مبتلا به کثرت‌گرایی و پلورالیسم دینی در الگوهای پست‌مدرن شود. این رویکرد که در راستای احیای کارکردهای دین در جامعه و مبتنی بر «رشد» است، ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی، امکان تکثر خرده‌فرهنگ‌های مختلف را در چارچوبی نمادین و مشترک مجاز می‌داند و این چارچوب کلی باید اولاً تأیید شده توسط اصول دین و ثانیاً آن چنان کلی و تعمیم‌یافته باشد که بتواند به کمک زبان مشترک ملی، نقطه اتکای وحدت نمادی و یا به عبارتی چارچوب فراگفتمانی جامعه قرار بگیرد [۵۲]. در این رویکرد هدف از سیاستگذاری فرهنگی، «هدایت‌فرایندی» مردم، به معنای بسترسازی رشد استعدادهایی فطری است که متناسب با اقتضانات و شرایط زمانه شکل و کمال می‌یابند. همچنین دین در تمامی امور زندگی مأموریت داشته و از این رو به پیوند دین با تمام اقشار و گروه‌ها توجه دارد، به نحوی که با توجه به پیش‌فرض گرفتن اولاً اینکه سطوح مختلفی از دین‌داری در جامعه وجود دارد و ثانیاً سطوح افراد و

۱. پارادایم.  
۲. بروکراسی.  
۳. ناسیونالیسم.



استعدادهایشان متفاوت است، تفاوت‌های پذیرفته شده و درون چارچوب رانه تنها به رسمیت می‌شناسد؛ بلکه ناظر به آن تفاوت‌ها، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری را صورت می‌بخشد [۲]. این رویکرد از دو گانه‌های دمکراتیک - غیردمکراتیک، مردم‌گرا - نخبه‌گرا، کل‌نگر - خردنگر و امثال آن عبور کرده و با طیفی دیدن مسائل، هدایت درونی و واقعی انسان‌ها را در بستری که حکومت دینی فراهم می‌سازد، مهم می‌داند. در این رویکرد، بستری که در آن امکان بروز خلاقیت‌ها و آزادی‌های فرهنگی در چارچوب کلی دین میسر می‌شود [۲۹]، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حکومت دینی نه مسئول ایجاد خلاقیت، بلکه عهده‌دار وظیفه خطیر از میان بردن موانع تبادل فرهنگی و بروز خلاقیت‌هاست [۴]، چرا که انسان بنا به فطرت خود، رو به سوی رشد و ارزش‌های خیر دارد [۸]. به رسمیت شناختن تفاوت‌ها، حمایت نکردن از یک الگوی دین‌داری و زیست فرهنگی خاص در جامعه، در کنار فراهم آوردن شرایط بروز نمادین خرده‌فرهنگ‌های دین‌داری در عرصه جامعه و همچنین برخورداری از سعه‌صدر در برابر خطاهایی که به انحراف منجر نمی‌شوند، از ملزومات اصلی این شیوه سیاستگذاری است.

تفاوت رویکرد هدایت‌گری فرهنگی با رویکردهایی مانند تنظیم‌گری آن است که در هدایت‌گری فرهنگی به «تعالی وجودی انسان» توجه می‌شود؛ ولی در تنظیم‌گری «کنترل و مدیریت انسان» مدنظر است. «رشد انسان» هدف متعالی رویکرد هدایت‌گری است و «نظم جامعه» هدف رویکرد تنظیم‌گری [۲]. به‌طور کلی، هدایت‌گری فرهنگی به انسان توجه دارد و تنظیم‌گری به محصول فرهنگی. به همین دلیل است که به جای برجسته کردن رفتارسازی‌های ناشی از سازوکارهای نرم‌افزاری، اولویت را به فعالیت‌هایی می‌دهد که موجب تغییرات وجودی هستند. این‌گونه فعالیت‌ها ۶ ویژگی دارند: ۱. توجه به نیازهای مادی و معنوی انسان؛ ۲. اتکا بر نهادها به‌عنوان روندهای رفع نیاز؛ ۳. توجه به ضرورت حضور مردم در امور فرهنگی؛ ۴. تأکید بر فعالیت جمعی به‌منزله پیوند روح جمعی افراد و تأثیرپذیری جمع از یکدیگر؛ ۵. در نظر گرفتن وضعیت بومی؛ ۶. ساختارمندی [۲].

#### جدول ۵. مقایسه الگوواره‌های نظری مختلف بر نامه‌ریزی فرهنگی

الگوواره نظری	الگوواره نظری اول. برنامه‌ریزی برای مردم	الگوواره نظری دوم. برنامه‌ریزی با مردم	الگوواره نظری سوم. برنامه‌ریزی توسط مردم	هدایت‌گری فرهنگی
نسبت مردم و سیاستگذار	سیاستگذار به مثابه قیم مردم	مردم به مثابه مشارکت‌کننده	تصمیم‌گیرنده / تعیین‌کننده جهت سیاستگذاری	سیاستگذار به مثابه خادم (تسهیل‌گری نیروهای اجتماعی و توانمندسازی آنان)
ابزار اصلی	دیوان‌سالاری	دیوان‌سالاری + سازمان‌های مردم‌نهاد	ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای	بهره‌گیری از همه ابزارها در راستای تربیت استعدادها و مانع‌زدایی از مسیر
شیوه اجرای سیاست‌ها	بالا به پایین	پایین به بالا و غیرمتمرکز	پایین به بالا و چندسویه	شبکه‌ای و چندسویه
غایت	شکل‌گیری دولت-ملت	رشد اقتصادی (توسعه)	مردم‌سالاری (دمکراسی) / رشد فرهنگ گفتگو	رشد و هدایت
جایگاه فرهنگ	ابزار تقویت ملی‌گرایی	ابزار افزایش انگیزه مشارکت و بسیج ثروت	غایت (و نه ابزار)	جهت و تعمیق زندگی
تدین	انحصارگرایی (قرائت واحد از دین)	دنیاگرایی و سکولاریسم	تکثرگرا / پلورالیسم دینی	وحدت در کثرت / دین عمومی
جایگاه دین	به مثابه ایدئولوژی	در سیاست دخالتی ندارد	بخشی از زندگی روزمره	هسته زیست فرهنگی - اجتماعی [و محور تمامی سطوح سیاستگذاری]
جنس مسئله	سیاسی	اقتصادی	اجتماعی - فرهنگی	اجتماعی - فرهنگی
کلیدواژه‌های محوری	ملی‌گرایی (ناسیونالیسم)	توسعه	سبک زندگی	رشد تربیت

مأخذ: [۲].



## ۵. بحث و نتیجه گیری



رشد سیاستگذاری حوزه دین نیز در کشور مانند هر حوزه دیگری نیازمند ارزیابی مداوم وضع موجود، مرور آسیب‌شناسانه سیاستگذاری چهل ساله نظام جمهوری اسلامی در این حوزه و همچنین به تصویر کشیدن وضع مطلوب بر پایه اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی کشور است. در این راستا گزارش حاضر، به ارزیابی عملکرد کلان سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین، در دو سطح «دین‌داری عمومی» و «ارزیابی عملکرد دستگاه‌های دینی» پرداخت و تصویری کلی از وضعیت دین‌داری عمومی در کشور و آسیب‌های کلی سیاستگذاری دستگاه‌های حوزه دین در ایران به دست آورد.

پیمایش‌ها، گزارش‌ها و تحلیل‌های انجام شده پیرامون وضعیت دین‌داری ایرانیان همگی بر تغییرات الگوی دین‌داری در دهه اخیر صحنه می‌گذارند، اما در چرایی و چگونگی این تغییرات اتفاق نظر وجود ندارد. جامع‌ترین و پربسامدترین تحلیل حاکی از چرخش الگوهای دین‌داری از فقهی و کلامی یا شریعت‌مدارانه به عرفانی و اخلاقی یا عاطفی است. این تغییرات سبب شده است تا اقدامات و فعالیت‌های عرصه دین که همگام با جریان‌های دین‌داری دستخوش تغییر نشده‌اند، ناکارآمد جلوه کنند و نگرانی‌هایی مبتنی بر ضعف دین‌داری ایرانیان شکل بگیرد؛ در حالی که بر اساس آمارهای موجود، میزان پایبندی به ابعاد مختلف دین از جمله اعتقادات، اخلاقیات و عبادات تغییرات چشمگیری نداشته‌اند.

از طرفی، پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و حاکمیت دینی، سیاستگذاران در ادامه احیای نهاد دین در جامعه و برای توسعه دین‌داری و معنویت برنامه‌ریزی کرده و در طول دهه‌های متوالی سازمان‌ها و نهادهای متعددی پیرامون این مسئله شکل گرفتند. این سازمان‌ها که در مواقع تاریخی مختلف و به دلایل متعددی نضج یافته‌اند، فعالیت‌ها و اقدامات متفاوتی انجام داده که بی‌شک در وضعیت فعلی دین‌داری ایرانیان مؤثر بوده است، اما آگاهی از کم‌وکیف این اثرگذاری نیازمند آسیب‌شناسی دقیق وضع موجود سیاستگذاری در حوزه دین و تبلیغ است تا از خلال بررسی آسیب‌ها و علل آنها گامی به سوی پیشرفت و سیاستگذاری مؤثر در این عرصه برداشته شود.

به اذعان صاحب‌نظران، به‌طور کلی سیاستگذاری عرصه دین دچار سه آسیب کلی است. اولین آسیب، «انباشت نهادی حوزه دین» بدون تقسیم دقیق وظایف و هم‌پوشانی فراوان این نهادهاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سازمان‌های متولی و مرتبط با عرصه دین دچار موازی‌کاری فراوانی شده‌اند و این امری است که توسط بیشتر مسئولین دستگاه‌های مورد‌مصاحبه نیز تأیید می‌شود. این آسیب ریشه در خلأ نهاد اصلی سیاستگذاری در عرصه دین دارد. اگرچه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان متولی این امر شناخته می‌شود، اما در عمل به دلیل ساختارهای نامتناسب، کلی بودن مصوبات آن شورا و شفاف نبودن یا ابهام در وظایف محوله به سازمان‌های ذی‌ربط و همچنین عدم ضمانت اجرایی مصوبات آن شورا، ایفای چنین نقشی محقق نشده است.

از دیگر آسیب‌های فضای سیاستگذاری دین در کشور، غلبه رویکرد دولتی به عرصه دین است، در حالی که دین برای مردم و حیات امور دینی به مردمی بودن آنهاست. اما امروزه به دلیل تصدیگری بیش از اندازه و غیر ضروری سازمان‌های ذی‌ربط در امور دینی، برخی از فرامین دینی مثل امر به معروف و نهی از منکر نزد افکار عمومی، دیگر وجهه مردمی ندارند و گویی دولت، تنها متولی آن است و از این رو نه‌انگیزه مشارکت و نه دیگر توجیهی برای انجام آن وجود دارد. در عمل نیز سازمان‌های دینی وابستگی ساختاری و بودجه‌ای به حاکمیت دارند که این مسئله علاوه بر تأثیرات نه‌چندان مثبتی که در تصویر این سازمان‌ها در اذهان عمومی بر جای می‌گذارد، از جریان یافتن سرمایه عظیم مردمی در اقتصاد این سازمان‌ها جلوگیری می‌نماید. بدین سبب است که از پویایی امری مانند وقف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تأمین مالی جمعی در عرصه فرهنگ، به‌ویژه حوزه دین، به‌طور چشمگیری کاسته شده است. آبشخور معضل تصدیگری غیر ضروری دولت در امور دینی، فقدان نگاه حکمرانی مردم‌محور با رویکرد هدایت‌گری و تنظیم‌گری است.

سومین مورد، مسئله «به‌حاشیه رفتن انواع الگوهای سبک زندگی دینی در عرصه رسمی نمادین جامعه» است. ترویج یک سبک زندگی دینی خاص یا همگن، منجر به حذف یا دور شدن دیگر فرهنگ‌های معتبر دینی از برنامه‌های سازمان‌های دینی شده است. بی‌توجهی به سطوح مختلف دین‌داری و ظرفیت متفاوت انسان‌ها - که علت اصلی شکل‌گیری تفاوت‌ها و انواع سبک زندگی دین‌مدارانه است - منجر به کاهش انگیزه‌های مردمی در مشارکت با این سازمان‌ها و در نتیجه به‌محاق رفتن خلاقیت‌های فرهنگی شده و در نهایت موجب کاهش اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی این سازمان‌ها شده است.

در مرحله دوم پژوهش با فراتحلیل ارزیابی صورت گرفته، فقدان رویکردی نظری و برآمده از اصول اساسی حکمرانی فرهنگ در نظام جمهوری اسلامی برای سیاستگذاری عرصه دین در ایران، برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب ترسیم شده در اسناد بالادستی را به‌عنوان

علت‌العلل فضای فعلی سیاستگذاری عرصه دین شناسایی کرد و در همین راستا و برای اتخاذ رویکردی نظری، به بررسی الگوهای کلان و جهانی سیاستگذاری فرهنگی و همچنین الگوهای بومی ارائه شده پرداخت.

از آنجا که «باید»ها بر «هست»ها بنا می‌شوند، سخن از چگونگی سیاستگذاری در زمینه دین و بایسته‌های آن زمانی میسر خواهد بود که امتداد سیاستی بنیان‌های نظری بیان شده در اسناد بالادستی، به‌عنوان روش سیاستگذاری مبتنی بر گفتمان نظری بومی اتخاذ شود. فقدان وحدت‌نظر پیرامون مسائل و اولویت‌های این عرصه میان کارشناسان و فعالان و همچنین اهمیت تعیین شاخص و ارزیابی کارنامه چندین‌ساله نظام جمهوری اسلامی ضمن لحاظ کردن پیوند ناگسستنی نظریه و روش، ضرورت دستیابی به چنین رویکردی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در این مسیر، پس از بررسی رویکردهای کلان سیاستگذاری فرهنگی در جهان، نتیجه بر آن شد که هیچ‌کدام از گفتمان‌های موجود، توانایی پاسخ‌گویی به ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران و فعال‌سازی ظرفیت‌های بومی را در عین پایبندی به اصول و پیش‌فرض‌های بنیادین، ندارند. از این رو، با مطالعه نظرات متعدد مطرح شده از سوی نخبگان و در نظر داشتن اسناد بالادستی سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، رویکرد هدایت‌گری فرهنگی به‌عنوان روش سیاستگذاری برآمده از بطن مبانی نظری فرهنگ در نظام جمهوری اسلامی ایران و برای نیل از وضع موجود به وضع مطلوب، اتخاذ شد.

رویکرد هدایت‌گری فرهنگی، انسان را موجودی دارای فطرت و در مسیر رشد در نظر گرفته و حکومت‌ها را موظف به بسترسازی (و نه مداخله) در رشد آنها می‌داند. واضح است که دین هسته‌معنابخش زیست فرهنگی - اجتماعی جامعه شمرده می‌شود. اضافه آنکه در این رویکرد بر ظرفیت و سطوح دین‌داری مردمان تأکید و همچنین ابزارهای متعدد و متناسب با سطوح مختلف به کار گرفته می‌شود. به رسمیت شناختن تفاوت‌ها، حمایت‌نکردن از یک‌الگوی دین‌داری و زیست فرهنگی خاص در جامعه، در کنار فراهم‌آوردن شرایط بروز نمادین خرده‌فرهنگ‌های دین‌داری در عرصه جامعه و همچنین برخورداری از سعه صدر در برابر خطاهایی که به انحراف منجر نمی‌شوند، از ملزومات پایبندی به چنین رویکردی است.

## ۶. الزامات سیاستی - تقنینی سیاستگذاری حوزه دین

۶-۱. بازطراحی هندسه دستگاه‌های دینی مبتنی بر اصول سیاست فرهنگی کشور در جهت احیای کارکرد اجتماعی نهاد دین  
احیای دین در جامعه و به‌دنبال آن تقویت کارکردهای اجتماعی آن از جمله گسترش معنویت و دین‌داری که از اهداف و دلایل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، نیازمند نگاه کلان‌نگر و در عین حال واقع‌نگر به مسئله دین و عوامل مؤثر بر آن است. ساختارها و سیاست‌های نضج‌یافته در طول چهل سال پس از انقلاب اسلامی ایران، نقاط قوت و ضعفی به‌همراه داشته‌اند. فقدان نگاه کلان و سیاستگذاری مؤثر در این مسئله و همچنین تغییرات الگوهای دین‌داری، ما را به ضرورت بازاندیشی در نظام دستگاه‌های دینی رهنمون می‌سازد که به اعتقاد کارشناسان، کارآمدسازی این نظام و تقویت یکپارچه و هماهنگ کارکردهای اجتماعی نهاد دین، به‌گونه‌ای که در عین حفظ نقاط قوت گذشته دچار آسیب‌های جدی از جمله انباشت نهادی در حوزه دین، پراکندگی اقدامات و سیاست‌ها و ناکامی در بهره‌مندی از ظرفیت‌های مردمی نشود، مستلزم بازطراحی جامع‌نگرانه هندسه دستگاه‌های دینی است. در این بازطراحی که پیشنهاد می‌شود با محوریت شورای عالی انقلاب فرهنگی و بهره‌گیری از نظرات نخبگان سراسر کشور صورت پذیرد، ممکن است نگاه‌های نو به نقش دین در جامعه ایران، بایسته‌های متفاوتی در نظام سیاستگذاری را طلب کرده و منجر به تغییرات بنیادین در نقش و ساختار سازمان‌ها و نهاد‌های این حوزه شود.

### ۶-۲. تمرکز شورای عالی انقلاب فرهنگی بر نقش سیاستگذاری کلان در حوزه دین

اگرچه در تصویر مطلوب از حکمرانی فرهنگی با رویکرد هدایت‌گری فرهنگی، قرارگاه مرکزی سیاستگذاری، نقشی تمام‌عیار و قیّم‌آبانه در حکمرانی فرهنگی و مداخله مستقیم در حیطة وظایف و اختیارات دستگاه‌های دیگر را نخواهد داشت. در الگوی برآمده از این رویکرد، حیطة وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی منحصرأ در سطح سیاستگذاری کلان می‌باشد و نه مداخله مستقیم در سایر سطوح حکمرانی (قانونگذاری و سیاستگذاری اجرایی). سایر مراجع حکمرانی (مجلس و دولت) نیز در تصویر مطلوب این رویکرد، باید متناسب با سیاست‌های کلان کشور قاعده‌گذاری نمایند.



### ۳-۶. رفع ابهام ماهیت حقوقی سازمان‌های دینی یا وابستگی چندگانه ساختاری آنها با تبدیل به سازمان‌های غیرانتفاعی یا مؤسسات عمومی غیردولتی

بسیاری از سازمان‌های عرصه دین ماهیت حقوقی مشخصی ندارند و این امر سبب شده است تا در مواجهه با سازمان برنامه و بودجه و نهاد‌های بالادستی با مشکلاتی از جمله تعدد ناظران و انتظارات دستگاه‌های بالادستی مواجه شوند. تعیین ماهیت حقوقی این سازمان‌ها و تعیین دقیق و کارآمد ساختار مدیریتی آنها، راهکار اصلی خروج از چنین وضعی است. از آنجا که هدف سازمان‌های دینی کمک و پشتیبانی از موضوعات مرتبط با دین و گسترش معنویت در جامعه (و نه سودآوری مادی) است، پیشنهاد می‌شود که این سازمان‌ها به مؤسسات عمومی غیردولتی یا سازمان‌های غیرانتفاعی تبدیل شوند. در نتیجه امکان درآمدزایی برای آنها در حالی فراهم می‌شود که این درآمدها به عنوان سود قابل استفاده شخصی نخواهند بود و تنها در مسیر اهداف مؤسسه قابل استفاده خواهند بود. به علاوه اینکه وابستگی بودجه‌ای این سازمان‌ها به دولت را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. در نهایت این امر سازمان‌های مزبور را مجبور می‌سازد تا به شیوه‌های تأمین مالی جدید روی آورند. این رهاسازی بودجه‌ای، افزایش انگیزه‌های مشارکت مردمی و خلاقیت‌های فرهنگی را در پی خواهد داشت.

### ۴-۶. تعیین شاخص‌های دقیق ارزیابی متناسب با رویکرد هدایت‌گری فرهنگی و نظارت مؤثر و کارآمد بر سازمان‌های ذی‌ربط

تعیین شاخص و اثرسنجی فعالیت‌های فرهنگی امری پیچیده و به‌زعم برخی کارشناسان نشدنی است؛ اما تعیین انتظارات و مقایسه آن با وضع موجود و همچنین نظارت بر شیوه پیاده‌سازی سیاست‌ها تا حد قابل توجهی به حل این مسئله کمک خواهند کرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های ناظر پس از تعیین وظایف مشخص و تقسیم وظایف به شیوه کارآمد و مشخص شدن مأموریت‌های هر سازمان، با هم‌فکری متولیان ارزیابی عملکرد خود سازمان‌ها، شاخص‌هایی را جهت ارزیابی اثربخشی فعالیت‌ها و ارزیابی عملکرد کیفی (و نه کمی) آن سازمان‌ها طراحی و تدوین کنند. در تدوین شاخص‌ها توجه به نکات زیر توصیه می‌شود:

**الف) توجه به میزان برطرف کردن نیاز واقعی جامعه:** از آنجا که سیاست‌گذاری‌های دینی باید در جهت رشد «فرایندی» معنویت و دین‌داری در کشور باشد، یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد فعالیت‌ها، میزان مطابقت آن با نیاز واقعی جامعه و وضعیت «فعلی» دین‌داری و نقش دین در جامعه امروزی است. اینکه چه میزان یک فعالیت توانسته پاسخ مناسبی برای نیازی «واقعی» و «موجود» باشد (گذشته از آنکه درست اجرا شود یا خیر) می‌تواند در تعیین اثربخشی اقدامات کمک کند. بهره‌مندی از نظرات خبرگان و همچنین پژوهش‌های کمی و کیفی متعدد، پیش‌نیاز اصلی احصای نیازها خواهد بود.

**ب) میزان توفیق در جلب مشارکت مردمی و افکار عمومی:** میزان اثربخشی یک فعالیت یا برنامه در بهبود افکار عمومی و افزایش انگیزه مشارکت مردم در فعالیت‌ها، معیار دیگر پیشنهادی است. همراهی و اقبال عمومی از فعالیت‌ها، همواره می‌تواند نشانگر مناسبی از کیفیت عملکرد اقدامات فرهنگی باشد. در واقع این شاخص به دنبال حذف تصدیگری‌های نابه‌جای سازمان‌هاست. البته که این معیار در برخی جنبه‌ها مثل اعتقادات، کاربرد چندانی نخواهد داشت.

**ج) توجه به رفتار/ ارزش‌سازی ساختارها:** در اینجا منظور از ساختار، همان قواعد جاافتاده در نظام‌های رسمی است که معمولاً در سازمان‌ها تجلی می‌یابد. از آنجا که ساختارها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به رفتارهای مردم دارند، بررسی این ساختارها و آسیب‌شناسی رفتارهای ایجاد شده توسط آنان، یاری‌دهنده سنجش کیفیت عملکرد خواهد بود. به عبارت دیگر، بررسی اینکه سازوکارهای ایجاد شده در / توسط سازمان، منجر به (باز) تولید چه هنجاری در مخاطبان می‌شود، نباید از نگاه ناظران مغفول واقع شود. بعضی اوقات برنامه‌ریزی سازمان‌های دینی برای تصدیگری در مناسک جمعی مردمی مثل اربعین یا جشن‌ها و مراسم‌های مذهبی، در گذر زمان، نه تنها موجب تضعیف جنبه مردمی این آیین‌ها خواهد شد؛ بلکه در صورت رخ دادن مشکلات در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه‌ها، امور دینی خدشه‌دار نیز خواهد شد. در مواردی حتی تقسیم وظایف میان سازمان‌ها می‌تواند موجب شکل‌گیری ذهنیت‌هایی اشتباه شود. مثلاً تشکیل ستاد اقامه نماز در کنار ستاد عالی هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد این ذهنیت را القا خواهد کرد که اقامه نماز چیزی جدای از پرداختن به امور فرهنگی - هنری مساجد است. بنابراین، جهت‌دهی به برجسته کردن ارزش‌ها و هنجارها در اقدامات یا سازوکارهای سازمان‌های دینی یا حتی ایجاد کردن ارزش یا رفتار جدید، در ارزیابی عملکرد سازمان‌های دینی در نظر گرفته شوند.

## ۵-۶. ضرورت تهیه «اطلس دین‌داری» ایرانیان

آگاهی از داده‌های مرتبط با ابعاد مختلف دین‌داری و خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با آن برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران حوزه دین ضرورتی مقدماتی، اولیه و پایه‌ای است. از این رو، ضروری است که «اطلس دین‌داری» ایرانیان تدوین شود. این اطلس شامل آمارهای مرتبط با ابعاد پنج‌گانه دین در اقلیم‌های مختلف جغرافیایی، نقشه‌های مرتبط با اقالیم الگوهای سبک زندگی دینی ایرانیان و همچنین داده‌های مردم‌شناسانه‌ای است که سیاستگذاران را در شناخت اولویت‌های این حوزه و نیازهای واقعی جامعه رهنمون خواهد ساخت. توصیه می‌شود این اطلس که به شیوه آمایش سرزمینی صورت می‌پذیرد، به صورت برخط و در قالب یک سامانه با سطوح دسترسی متفاوتی در دسترس عموم و پژوهشگران قرار گیرد تا از داده‌های مرتبط با آن تحلیل‌ها و گزارش‌های راهبردی و کاربردی متنوعی قابل بهره‌برداری باشد. همچنین مبلغان می‌توانند با آگاهی از چنین اطلاعاتی علاوه بر مخاطب‌شناسی بهتر، اثربخشی ابزارهای مختلف تبلیغ با هر اقلیم/قشر دینی را مورد آزمون و بررسی قرار دهند.

## منابع و مأخذ

- [۱] ف. رجایی، مشکله هویت ایرانیان امروز؛ ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران، نی، ۱۳۹۳.
- [۲] م. پورکیانی، بنیان‌های نظری رویکردهای سیاستگذاری فرهنگی؛ مقدمه‌ای بر تبیین رویکرد جدید هدایت‌گری فرهنگی، تهران، سوره مهر، ۱۴۰۰.
- [۳] م. طالبان، «افول دین‌داری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت»، حوزه و دانشگاه، جلد ۴، شماره ۲، ۱۳۸۲.
- [۴] ع. خسروپناه، مصاحبه‌شونده، برنامه شیوه، فرهنگ از نظر تا عمل، [مصاحبه]. دوم آبان‌ماه ۱۴۰۱.
- [۵] س. سجادی‌پور، م. تاجیک، ا. حاجیانی و ب. اسدی، «روش‌شناسی و نظریه‌پردازی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، جلد ۴، شماره ۲، ۱۳۸۱.
- [۶] مبانی نظری و روش‌شناسی مقیاس‌های دینداری به انضمام پرسشنامه‌های دینداری، تهران، آوای نور، ۱۳۹۱.
- [۷] م. سالاری‌فر، م. آذربایجانی و ع. رحیمی‌نژاد، مبانی نظری مقیاس‌های دینی: گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- [۸] اصول سیاست فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱.
- [۹] ع. شجاعی زند، «نقد و ارزیابی «گویه‌های به کار رفته» در پیمایش دینداری ایرانیان»، راهبرد فرهنگ، جلد ۴، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- [۱۰] ع. شجاعی زند، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴.
- [۱۱] م. پویافر، «نگاهی به تحولات دینداری»، پژوهشکده دین و فرهنگ، تهران، ۱۳۹۷.
- [۱۲] ح. عبداللهی سفیدان، ع. ا. عبدالاحدی مقدم و م. ت. دشتی، «فرا تحلیل روند دینداری ایرانیان در دهه گذشته و پیامدهای امنیتی آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴۰۰.
- [۱۳] ع. کاظمی و ن. حصارکی، «دینداری در ایران پس‌انقلابی: سیاست جماعت‌های مذهبی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۴۰۲.
- [۱۴] م. جوادی یگانه، «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ۱۳۹۵.
- [۱۵] م. طالبان و م. رفیعی بهابادی، «تحولات دینداری بر اساس تفاوت نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۸۹.
- [۱۶] ح. محدثی گیلوایی، مصاحبه‌شونده، حرف نو. آیا جمهوری اسلامی منجر به دیندارتر شدن مردم شده است؟، [مصاحبه]. ۲۶ تیر ۱۴۰۲.
- [۱۷] ت. آزادارمکی، «چالش‌های اساسی در عرصه سیاستگذاری فرهنگی در ایران»، سیاست داخلی، ۱۳۸۵.
- [۱۸] م. موحدی، مصاحبه‌شونده، برنامه شیوه برنامه‌های توسعه و فرهنگ [مصاحبه] ۱۰ مهر ۱۴۰۱.
- [۱۹] ن. ا. فاضلی، مصاحبه‌شونده، برنامه شیوه. ما که هستیم. [مصاحبه] ۱۶ مهر ۱۴۰۱.
- [۲۰] ح. دانایی فرد و م. حاجیلویی، «مسائل فرایند سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان فرهنگی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، ۱۴۰۰.
- [۲۱] ر. مستمع، س. محسنیان، س. شفیعا، آ. ارحامی، ح. سهرابی، م. قاسمی پیربلوطی، م. حاجی حسنی و ع. قاسمی نژاد، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور تبصره «۱۳» حوزه فرهنگ»، شماره مسلسل ۱۹۵۱۱، مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ۱۴۰۲.



- [۲۲] ا. غلامپور آهنگر و س. عصاره‌نژاد دزفولی، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۵۵): بخش دین و مذهب (بازنمایی رسانه‌ای بودجه نهاد‌های دینی - تبلیغی)»، شماره مسلسل ۱۸۷۵۸، مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ۱۴۰۱.
- [۲۳] م. جمشیدی، مصاحبه‌شونده، برنامه شیوه فرهنگ از نظر تا عمل. [مصاحبه] ۲ آبان ۱۴۰۱.
- [۲۴] س.ع. شریفی و ع. فاضلی، «واکاوی سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۱۳۹۱.
- [۲۵] غ. گودرزی و م. شیخزاده، «تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی شکور با نگاهی به مفهوم و مبنای مهندسی فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، ۱۳۸۸.
- [۲۶] نقشه مهندسی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱.
- [۲۷] س. عصاره‌نژاد دزفولی و س. سیاحی‌زاده فرد، «ارزیابی عملکرد قانون بودجه ۱۴۰۲ کل کشور در حوزه دین، ارشاد اسلامی و اوقاف»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲.
- [۲۸] ا. ابوالحسنی، «حکمرانی مردم‌سالارانه»، فصلنامه سیاست، جلد ۴، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- [۲۹] م. کوثری، مصاحبه‌شونده، برنامه شیوه، سیاستگذاری فرهنگی [مصاحبه]. ۲۵ مهر ۱۴۰۱.
- [۳۰] ن. ا. فاضلی، «مسئله چیست؟ مسئله‌شناسی فرهنگی با رویکرد مطالعات فرهنگی»، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۴.
- [۳۱] س. ج. میری، مصاحبه‌شونده، برنامه شیوه، جامعه‌شناسی ایران [مصاحبه]. ۶ خرداد ۱۴۰۲.
- [۳۲] ح. محدثی گیلوایی و ر. انباردان، تخریب قلمروی دینی؛ آسیب‌شناسی آموزه امر به معروف و نهی از منکر پس از انقلاب، قم، نوید صبح، ۱۳۹۹.
- [۳۳] س. سیاحی‌زاده فرد، «ارزیابی عملکرد قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، شماره مسلسل ۱۹۶۰۳، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲.
- [۳۴] «آشنایی اجمالی با: مسائل و چالش‌ها در حوزه‌های میراث فرهنگی، گردشگری، اوقاف و حج و زیارت (۱۵)»، شماره مسلسل ۶۹۹۴، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳.
- [۳۵] «آشنایی با وضعیت اوقاف در کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۰.
- [۳۶] ر. ا. ابو جعفری و س. مسعودی پور، «تبیین اهرم‌های تحولی سازمان اوقاف و امور خیریه مبتنی بر شناسایی و اولویت‌بندی نظام جامع مسائل آن»، دوفصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، جلد ۱۵، شماره ۲۹، ۱۴۰۰.
- [۳۷] م. صادقی، «بررسی وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۲. آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، شماره مسلسل ۱۰۴۳۷، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰.
- [۳۸] آ. مولانی و ب. سعادت‌راد، «مشکلات نظارت قضایی بر نهادهای انقلابی با تأکید بر سازمان تبلیغات اسلامی»، مجله حقوقی دادگستری، جلد ۸۳، شماره ۳، ۱۳۹۸.
- [۳۹] «گزارش امکان خصوصی سازی حج و عمره و زیارت عتبات با نگاهی به وضع موجود سازمان»، شماره مسلسل ۶۴۴۰، مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ۱۳۸۱.
- [۴۰] ع. ابراهیمی و ع. کمالی، «تحلیل ساختاری مرکز فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، جلد ۱، شماره ۲، ۱۳۹۶.
- [۴۱] س. عصاره‌نژاد دزفولی، «ارزیابی عملکرد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد»، شماره مسلسل ۱۹۳۱۳، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲.
- [۴۲] ع. فرزانه و م. امیریان‌زاده، «میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی فارس از دیدگاه دانشجویان»، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، جلد ۷، شماره ۳، ۱۳۹۵.
- [۴۳] م. ح. نبوی، «جایگاه نماز و عملکرد ستاد اقامه نماز و دولت»، مبلغان، جلد ۴، شماره ۷، ۱۳۸۱.
- [۴۴] م. حبیب‌زاده و م. روحی عیسی‌لو، «بررسی تأثیر مهارت‌های سرپرستی و مدیریت در کارایی سازمان مدیران سازمان‌های دولتی

- اردبیل»، فصلنامه علمی منابع و سرمایه انسانی، جلد ۱، شماره ۳، ۱۴۰۰.
- [۴۵] م. گلپایگانی و م. دشتی، نظام‌واره مسائل حوزه و روحانیت، قم، مکتب اندیشه، ۱۳۹۹.
- [۴۶] ر. خضری، «آسیب‌ها و چالش‌های تبلیغ در عرصه بین‌الملل در حوزه علمیه با تأکید بر آرای رهبری»، فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، جلد ۷، شماره ۲۷، ۱۳۹۸.
- [۴۷] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷.
- [۴۸] ع. ا. ندائی، «تأثیر دین و ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی، ۱۴۰۱.
- [۴۹] بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷.
- [۵۰] م. مطهری، جامعه و تاریخ، جلد ۱، تهران، صدرا.
- [۵۱] ک. اشتریان، روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، کتاب آشنا، ۱۳۸۱.
- [۵۲] س. صالحی امیری و ا. عظیمی دولت‌آبادی، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.
- [۵۳] ع. کاظمی و م. فرجی، دینداری ایرانیان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.
- [۵۴] ع. کاظمی و م. فرجی، «یافته‌های پیمایش ملی دینداری ایرانیان، موج دوم»، سازمان تبلیغات، تهران، ۱۳۹۵.
- [۵۵] ع. شجاعی زند، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.







#### گزیده سیاستی

خلاً رویکردی نظری در سیاستگذاری دین، ریشه آسیب‌های سیاستگذاری در این عرصه است. رویکرد هدایت‌گری فرهنگی، با تمرکز بر انسان‌ها (و نه محصولات فرهنگی) و در نظر داشتن تفاوت سطوح دین‌داری و استعداد افراد، به دنبال رشد افراد جامعه است. این رویکرد در میان رویکردهای موجود، الگویی واقع‌بینانه‌تر جهت صورت‌بندی سیاستگذاری عرصه دین در کشور ارائه می‌دهد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir